

۳
جهانهرمز و دو کزیدورا!
پیشنهاد جدید عمان به ایران۳
افقمعمار دوحه
امیر سابق قطر درگذشت۴
ورزشآغاز نبرد غول‌ها
بررسی وضعیت تیم‌های مرحله نیمه‌نهایی۶
توسعهمقصران نفوذ
چه کسی پاسخگوی هک بانکی است؟

سخنرانی جنجال‌برانگیز

بررسی اظهارات سیدعلی خمینی
و واکنش‌های موافقان و مخالفان۲
ایران

یادداشت روز

پیگیری حقوقی

مطالبه ملت ایران برای پاسخ به جنایت‌ها
باید در چارچوب منافع عالی کشور دنبال شود

صالح نقره‌کار

حقوق‌دان



مردم شریف ایران در طول ایام تشییع رهبر شهید، پیام انتقام را به جهان مخیره کردند. این پیام بدین معناست که شهادت بی‌شماری از رهبران، فرماندهان، دانشمندان، نخبگان، غیرنظامیان، کودکان و آحاد مردم شریف ایران در طول جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی، خون مردم را به جوش آورده و خصلت ایرانی در حمایت از ساحت حیات، امنیت و هموطنان را به اوج رسانده است. اما این حق باید در راستای منافع عالی کشور مورد توجه قرار گیرد.

در شرایطی که فرهنگ، فرزاندگی و بلوغ اجتماعی مردم ایران از یکسو و خصلت مسئولیت‌پذیری بین‌المللی و مبارزه با بی‌کیفرمانی از سوی دیگر در این حوزه معنا پیدا می‌کند باید از فرصت‌های بین‌المللی برای محکوم کردن جانیان و تروریست‌ها بهره گرفت. امروز ایران از یک طرف نیازمند ثبات، امنیت و حقوق رفاهی است و از طرف دیگر باید در حوزه حقوق بین‌الملل، اهداف و منافع ملی خود را با تدبیر و عقلانیت دنبال کند.

از این مجرا، ما از یک‌سو باید تجاوز علیه ایران را در چارچوب سازوکارهای مسئولیت و پاسخگویی بین‌المللی پیگیری و تعقیب کنیم و از سوی دیگر، موضوع محکوم کردن جانیانی که علیه رهبری و نیز سایر اقدامات خبیثانه دست زده‌اند را در مراجع و نهادهای ذی‌صلاح بین‌المللی دنبال کنیم.

براساس حقوق بین‌الملل هر عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی برای مرتکب ایجاد می‌کند. این اصل در «مواد مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی» که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین شده نیز به‌صراحت انعکاس یافته و دولت‌ها نباید این قواعد بنیادین را نقض کنند. امروز جهان شاهد نقض حقوق بنیادین انسان‌ها و گسترش ترور به‌صورت سازمان‌یافته است و این حق مردم ایران است که مطالبات خود را از مجاری مشروع و بین‌المللی دنبال کنند.

هرچند اقدامات خودسرانه یا رفتارهای آتش به اختیار بی‌تردید منافع ملی ما را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد اما قوه عاقله، خرد جمعی و اندیشه‌ورزی ایرانی اقتضا می‌کند در حوزه‌ای که با حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل و مصالح عالی کشور مرتبط است، تصمیمات بر پایه عقلانیت، قانون و مصلحت اتخاذ شود. از همین‌رو فریاد انتقام باید از مجرای حقوق بین‌الملل، سازوکارهای مسئولیت بین‌المللی و تعقیب حقوقی متجاوزان و عاملان جنایت دنبال شود و در سایر موارد نیز از طریق گفت‌وگو، میانجی‌گری و شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل‌وفصل مخاصمات به‌گونه‌ای عمل شود که صلح بر مدار خیر جمعی ایرانیان و ملت‌های منطقه استوار گردد.

تمرکز و توجه صاحب‌منصبان، نخبگان و اندیشمندان کشور باید معطوف به آن باشد که ضمن صیانت از حقوق ملت ایران از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل برای احقاق حق، محکومیت متجاوزان و مقابله با بی‌کیفرمانی استفاده شود. در این مسیر، بهره‌گیری از سازوکارهای حقوقی و دیپلماتیک نه‌تنها با حق ملت ایران برای مطالبه عدالت منافاتی ندارد بلکه می‌تواند، زمینه تحقق مؤثرتر منافع ملی و تثبیت جایگاه حقوقی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی را فراهم کند.

ما در این حوزه، توأمان به خرد بالغه ایرانی، درایت ملی و توجه به موازین حقوق بین‌الملل نیاز داریم تا حقوق ایرانیان، خدای ناکرده، در معرض اقدامات خودسرانه قرار نگیرد و به محاق نرود و همه ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی در مسیر تأمین عدالت، حفظ امنیت، صیانت از منافع عالی کشور و پاسداشت حقوق ملت ایران به‌کار گرفته شود.

مرگ جنگ طلب

لیندسی گراهام، سناتور ضدایرانی ایالات متحده آمریکا
به‌صورت ناگهانی درگذشت

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



مرگ ناگهانی لیندسی گراهام، سناتور آمریکایی در شامگاه شنبه در ۷۱ سالگی، شوک بزرگی به کنگره آمریکا وارد کرد. چندین

رسانه آمریکایی، از جمله واشنگتن‌پست، گزارش دادند که نیروهای اورژانس شنبه‌شب پس از دریافت گزارشی مبنی بر درد شدید در قفسه سینه به محل اقامت او در واشنگتن اعزام شدند. براساس این گزارش‌ها، گراهام اندکی بعد دچار ایست قلبی شد و جان خود را از دست داد. انتشار خبر درگذشت غیرمنتظره این سناتور باسابقه، نمایندگان و سناتورهای آمریکایی را در ساعات اولیه در بهت و اندوه فروبرد و موجی از واکنش‌ها را در فضای سیاسی ایالات متحده برانگیخت. او بیش از دو دهه یکی از شناخته شده‌ترین و اثرگذارترین چهره‌های حزب جمهوری‌خواه در سنای آمریکا بود؛ سیاستمداری که از سال ۲۰۰۳ نمایندگی ایالت کارولینای جنوبی را برعهده داشت و نامش با پرونده‌های مهم سیاست خارجی، امنیت ملی، بودجه و مهاجرت گره خورده بود.

ادامه در صفحه ۳





سیاست

فصل مشترک

نگاه احزاب به حفظ انسجام و مدیریت اختلافات داخلی در روزهای پرتنش

گروه سیاسی: در میانه تحولات پرشتاب منطقه، پیامدهای جنگ و افزایش فشارهای خارجی، چهار چهره سیاسی از طیف‌های مختلف، از اصلاح‌طلب تا اصولگرا، طی روزهای اخیر در گفت‌وگوهایی مجزا با ایرنا بر یک گزاره مشترک تأکید کرده‌اند؛ اینکه انسجام ملی، مهم‌ترین سرمایه ایران برای عبور از شرایط پیچیده کنونی است. هرچند هر کدام با ادبیات و استدلالی متفاوت از مقاومت یا هویت ملی سخن می‌گویند اما نقطه تلاقی سخنان‌شان، ضرورت تقویت وحدت ملی، حفظ استقلال و جلوگیری از تبدیل اختلافات داخلی به فرصتی برای فشار خارجی است.

محمد عطریان‌فر، معاون سیاسی دبیرکل و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، از چهره‌هایی است که بر ضرورت حفظ انسجام ملی تأکید دارد. او ضمن اشاره به تغییر موازنه قدرت در جهان و کاهش هژمونی آمریکا بر این باور است که تأکید بر استقلال سیاسی، تقویت توان داخلی و حمایت از ملت‌های تحت ستم از مهم‌ترین محورهای فکری رهبر شهید بوده است. عطریان‌فر معتقد است، ایران در سال‌های گذشته با مجموعه‌ای از چالش‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو بوده و مدیریت این شرایط نیازمند حفظ انسجام در ساختار حکمرانی و پرهیز از تصمیم‌های شتاب‌زده بوده است. او در عین حال تأکید می‌کند که آینده سیاست خارجی ایران تنها با تلفیق استقلال، واقع‌بینی، دیپلماسی فعال و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی می‌تواند، منافع ملی را تأمین کند. از نگاه او اختلاف‌نظر امری طبیعی است اما حفظ یکپارچگی در مسائل بنیادین کشور باید در اولویت قرار گیرد.

حسین کنعانی‌مقدم، نایب‌رئیس خانه احزاب ایران هم بر پیامدهای اختلافات داخلی در عرصه سیاست خارجی تمرکز دارد. او هشدار می‌دهد که رفتار جریان‌های سیاسی و شکاف‌های داخلی به دقت از سوی دشمنان رصد می‌شود و هرگونه اختلاف می‌تواند در مذاکرات یا معادلات منطقه‌ای علیه ایران مورد استفاده قرار گیرد. کنعانی‌مقدم با انتقاد از دوقطبی‌سازی میان «جنگ» و «صلح» معتقد است تصمیم‌گیری درباره مسائل کلان باید در چارچوب نهادهای رسمی کشور انجام شود و تقد‌ها نیز در فضای کارشناسی و به دور از هیاهوی رسانه‌ای مطرح شوند. از دید او، وحدت ملی مهم‌ترین عامل بازدارندگی در برابر فشارهای خارجی است و هر اقدامی که به تضعیف این انسجام منجر شود عملاً در راستای منافع دشمنان کشور خواهد بود.

محمدعلی امانی، دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی نیز با ادبیاتی متفاوت اما با همان محور مشترک بر ضرورت همگرایی سیاسی تأکید می‌کند. او انسجام احزاب و گروه‌های سیاسی را نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت در مقطع کنونی می‌داند و معتقد است، دشمن بیش از هر زمان دیگری به‌دنبال ایجاد شکاف در داخل کشور است. امانی همچنین بر استمرار گفت‌وگو با معادلات منطقه‌ای، مقابله با سلطه‌گری و حمایت از ملت‌های مظلوم به‌عنوان اصول ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است این اصول باید در ساختارهای حکمرانی، آموزش دیپلمات‌ها و تصمیم‌سازی‌های کلان تثبیت شوند. به اعتقاد او هرچه انسجام داخلی بیشتر باشد امکان موقعیت فشارهای خارجی کاهش خواهد یافت.

محمدصادق جوادی‌حسار، سخنگوی حزب اعتماد ملی هم پیش از هر چیز بر مفهوم «انسجام ملی» از منظر هویت ایرانی تمرکز دارد. او معتقد است، رهبر شهید انقلاب توانسته بود میان مؤلفه‌های ایرانی و اسلامی پیوندی متوازن برقرار کند و همین ویژگی یکی از عوامل اصلی ایجاد همبستگی ملی بود. جوادی‌حسار تأکید می‌کند که ایران، زبان فارسی، فرهنگ ایرانی و میراث تمدنی کشور از مهم‌ترین عناصر وحدت‌بخش جامعه ایران هستند و هر پروژه توسعه‌ای یا سیاست کلان باید بر همین پایه‌ها استوار شود. او همچنین بر این باور است که تقویت توان علمی، فرهنگی و دفاعی کشور در کنار حفظ هویت ملی، مهم‌ترین سرمایه ایران در مواجهه با فشارهای خارجی محسوب می‌شود.

در مجموع اگرچه این چهار چهره سیاسی به جریان‌های متفاوتی تعلق دارند و هر یک از منظری متفاوت به تحولات کشور نگاه می‌کنند اما همگی بر سر اولویت‌های کشور اتفاق نظر دارند. از اصلاح‌طلب تا اصولگرا همه بر این باورند که در شرایط پرتنش کنونی، نحوه مدیریت اختلافات داخلی و حفظ انسجام اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در افزایش قدرت چانه‌زنی ایران و تأمین منافع ملی خواهد داشت.

سخنرانی جنجال‌برانگیز

بررسی اظهارات سیدعلی خمینی و واکنش‌های موافقان و مخالفان



عاطفه شمس

گروه سیاسی

سخنان اخیر سیدعلی خمینی، نوه بنیانگذار انقلاب با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شد. سیدعلی خمینی، ۴۰ساله و کوچک‌ترین فرزند مرحوم سیداحمد خمینی ۱۳۶۵ است. او تحصیلات حوزوی را در قم آغاز کرد. سیدعلی خمینی با نوه آیت‌الله سیدعلی سیستانی و دختر سیدجواد شهرستانی ازدواج کرده و بخشی از فعالیت‌های علمی خود را نیز در نجف دنبال می‌کند. برخلاف برادرش، سیدحسن خمینی، که طی سال‌های گذشته حضوری پررنگ‌تر در عرصه سیاست داخلی داشته، او کمتر در متن تحولات سیاسی قرار گرفته و بیشتر با سخنرانی‌های مذهبی، حضور در مراسم بیت امام و اظهارنظر درباره مسائل روز شناخته می‌شود.

دو محور جنجالی سخنرانی

سخنان اخیر سیدعلی خمینی بر دو محور اصلی استوار بود؛ اول، تأکید بر انتقام، نقش مردم و تجمعات خیابانی و دوم، موضوع مذاکره با آمریکا. او در بخش نخست سخنانش از تجمعات شبانه و شعارهای ضدآمریکایی حمایت کرد و گفت: «نمی‌شود زمانی که چشم‌ها و مش‌های کثیف دشمنان به‌دنبال جمهوری اسلامی است به مردم تکیه کنیم، آنها به خیابان بیایند و کشور را حفظ کنند اما وقتی برای انتقام خون رهبر شهید فریاد می‌زنند، بگویم اینها تدررو هستند. اینها همان کسانی هستند که کشور شما را حفظ کردند و فریاد مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل آنها گوش همه را کر کرده است». او همچنین از نقش مداحان در این مقطع قدردانی کرد و گفت: «مداح‌های ما کار خودشان را درست انجام دادند و در میدان‌ها خوب ظاهر شدند؛ باید از آنها تشکر کنیم. ملت با فهم خودش، وقتی صحنه را خطیر دید به میدان آمد».

اما بخش دوم سخنان سیدعلی خمینی بیشتر خبرساز شد. او با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی جنگ‌طلب نیست، گفت: «بعضی‌ها می‌گویند، بجنگیم که ترامپ انتخابات ماه نوامبر را ببازد. آمریکایی‌ها برای ما فرقی ندارند؛ هم به جمهوری‌خواهان و هم به دموکرات‌ها مرگ می‌فرستیم». او تأکید کرد: «اگر می‌بینید که جمهوری اسلامی صحبت از مذاکره دارد، مذاکره صلح نیست. مگر می‌شود امام حسین (ع) با یزید صلح کند؟ مگر می‌شود ما با آمریکای جنایتکار، صلح کنیم؟ اصلاً هویت ما سازش‌ناپذیری با استکبار است. مذاکره یعنی جنگ؛ جنگ صورت‌های مختلفی دارد». سیدعلی خمینی در ادامه، با ادبیاتی تندتر، افزود: «هر کس بخواهد، مذاکره کند برای اینکه به صلح با آمریکا برسد، خائن است. هر کس پیام دوستی به آمریکا بفرستد، دهانش خبیث و نجس است. مشکل ما با آمریکا امروز و دیروزی نیست؛ مشکل ما از کودتایی که کردند، آغاز شد اما در اتفاق اخیر ما با آمریکا پدرکشتگی پیدا کردیم».

چرا این سخنان خبرساز شد؟

در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی، مخالفت با آمریکا مسبوق به سابقه است اما آنچه سخنان سیدعلی خمینی را خبرساز کرد، استخدام ادبیاتی بود که برای توصیف موافقان مذاکره با هدف صلح به‌کار برد. استفاده از واژه‌هایی مانند «خائن» و «دهانش خبیث و نجس است» درباره کسانی که به‌دنبال صلح با آمریکا هستند، باعث شد این بخش از سخنرانی سیدعلی خمینی بیش از هر قسمت دیگری دست‌به‌دست شود. در ادامه واکنش‌ها نیز یکی پس از دیگری منتشر شد. برخی تلاش کردند، توضیح دهند که سخنان سیدعلی خمینی به‌صورت ناقص بازنشر شده و برداشت‌ها از آن دقیق نیست اما گروهی دیگر معتقد بودند حتی با در نظر گرفتن متن کامل سخنرانی نیز ادبیات به‌کار رفته آن هم درباره موضوع حساسی مانند مذاکره، قابل دفاع نیست و استفاده از چنین ادبیاتی، آن‌هم در شرایطی که مسئولان کشور همچنان از مسیر دیپلماسی سخن می‌گویند، می‌تواند پیام‌های متناقضی به جامعه و حتی طرف‌های خارجی ارسال کند.

واکنش وزیر ارشاد

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد، در رشته‌پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که تنها بخش‌هایی از سخنرانی را دیده بود اما بعد از شنیدن متن کامل، برداشت متفاوتی پیدا کرده است. صالحی با تمجید از بخش‌های مختلف سخنان سیدعلی خمینی ازجمله تبیین رابطه امام و

رهبری، تصویرسازی از دشمنان و تقدیر از مردم ایران و عراق تأکید کرد که درباره موضوع مذاکره نیز باید کل سخنان او دیده شود نه چند جمله جدا شده از متن. او نوشت: «شاید نکته ابهام‌برانگیز سخنان ایشان این بود که مذاکره برای صلح را خیانت دانستند اما خود ایشان در بخش دیگری از سخن یادآور شدند که مذاکره در ایران به‌معنای صلح نیست بلکه مذاکره هم یکی از میدان‌های نبرد است». صالحی در پایان نتیجه گرفت که «دیدگاه ایشان را در بافتار جامع سخنان‌شان باید دریافت و از قطع کلام و فهم‌گزینی دور شد». در واقع، وزیر ارشاد پیش از آنکه از محتوای سخنان دفاع یا آن را نقد کند، تلاش کرد میان برداشت‌های متفاوت از این اظهارات آشستی برقرار کند و بگوید، حذف بخشی از سخنان سیدعلی خمینی، تصویر ناقصی از منظور او ارائه داده است. اما همه چنین برداشتی نداشتند.

از اجماع نظام تا منظومه انقلاب

روزنامه جمهوری اسلامی اما در یادداشتی انتقادی پرسید: «در شرایطی که شورای عالی امنیت ملی و تمام مسئولین ارشد کشور طرفدار تفاهم‌نامه و مذاکره تا رسیدن به توافق هستند، شنیدن این سخن از آقای سیدعلی خمینی، نوعی مقابله با اجماع مسئولین نظام است؟»

در ادامه واکنش‌ها به اظهارات سیدعلی خمینی، فضای شبکه‌های اجتماعی همچنین شاهد جدال میان موافقان و منتقدان این سخنان بود. فیاض زاهد، رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، در واکنش به این اظهارات در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آقای سیدعلی خمینی از شما و خاندان شما انتظار سخنان مستدل، منطقی و ملی می‌رود. مهم‌ترین ویژگی پدر بزرگ شما مبارزه با عوام‌زدگی بود. مراقب باشید...» این اظهارنظر با پاسخ امیرحسین ثابتی، نماینده تدروی مجلس، روبه‌رو شد. ثابتی در واکنش، زاهد را «عنصری مشکوک و عامل ترامپ در داخل کشور» خواند و نوشت: «این فرد مشکوک قبل از جنگ ۱۲ روزه می‌گفت، قرار است با توافق با آمریکا علاوه بر لغو تحریم‌ها، آمریکا در ایران میلیارد‌ها دلار سرمایه‌گذاری هم انجام دهد! نتیجه آن توهما‌ت و ر‌ؤیاف‌روشی‌ها، جنگ و هزاران موشکی بود که بر سر مردم ایران فرود آمد و امروز هم با حمله به سیدعلی خمینی می‌خواهد...». زاهد نیز در پاسخ به این حملات با اشاره به سابقه سیاسی و مواضع خود نوشت: «آقای ثابتی! در تمام عمر خود یک روز علیه آمریکا و اسرائیل نجنبیده‌ای. یک سیلی در راه انقلاب نخورده‌ای. تو نماد رانت‌خواری، مهمل‌گویی هستی. آنچه اتهامش را به من می‌زنی، نمادی از خودباختگی و تحقیرتان در برابر دشمنان ایران است. امثال ما ایران را بزرگ می‌پنداریم نه مرعوب غرب و شرق». این جدال لفظی، نشان داد که سخنان سیدعلی خمینی نه‌تنها در میان تحلیل‌گران و رسانه‌ها بلکه در میان چهره‌های سیاسی با گرایش‌های متفاوت نیز به موضوعی برای صف‌بندی و تقابل دیدگاه‌ها تبدیل شده است.

از دیگر سو، روزنامه جوان، این سخنرانی را «بازخوانی صریح منظومه‌ای از اصول بنیادین انقلاب اسلامی» توصیف کرد؛ سخنانی که به باور این روزنامه بر مقاومت، استکبارستیزی، مردم‌پاوری و وفاداری به آرمان‌های امام خمینی تأکید داشت. اما اختلاف برداشت‌ها فقط به رسانه‌ها محدود نماند و خیلی زود به شبکه‌های اجتماعی کشیده شد. احمد زیدآبادی،

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی، از زاویه‌ای دیگر به ماجرا نگاه کرد. او با یادآوری پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام خمینی نوشت که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی زمانی که ادامه جنگ را به سود کشور نمی‌دانست با وجود همه مواضع قبلی خود، تصمیم به پذیرش آتش‌بس گرفت و حتی آن را «جام زهر» نامید تا کشور از ادامه جنگ آسیب نبیند. زیدآبادی معتقد بود، سخنان سیدعلی خمینی با این تجربه تاریخی همخوانی ندارد و نه‌تنها تناقض‌آلود استبلکه ممکن است تصمیم‌گیری را برای مسئولان کشور در شرایط حساس کنونی دشوارتر کند.

یادداشت زیدآبادی با پاسخ عبدالرضا داوری، مشاور سابق محمود احمدی‌نژاد روبه‌رو شد. داوری استدلال کرد که زیدآبادی در مقایسه سیدعلی خمینی با امام خمینی دچار خطای تحلیلی شده است. به اعتقاد او، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ فقط یکی از تصمیم‌های امام بود و نمی‌توان کل منظومه فکری او را به همان تصمیم تقلیل داد. داوری نوشت اگر قرار باشد تنها با پذیرش قطعنامه درباره شباهت افراد به امام قضاوت شود، تصویری ناقص از شخصیت امام ارائه خواهد شد و از همین منظر حتی مدعی شد که «سیدعلی خمینی در میان خاندان امام، شبه‌الناس به ایشان است؛ خلأفاً، خلأفاً و منطقاً».

مجاهدان عرصه دیپلماسی یا خائنن؟

شاید مهم‌ترین عاملی که باعث شده، سخنرانی سیدعلی خمینی همچنان در کانون بحث‌ها باقی بماند، مقایسه آن با مواضع چند ماه قبل او درباره مذاکره باشد. سیدعلی خمینی در اوج بحث‌های مربوط به مذاکرات از مذاکره‌کنندگان با عنوان «مجاهدان عرصه دیپلماسی» یاد کرده و گفته بود: «مذاکره فعلی با آمریکا نوعی جهاد است». حالا اما تأکید او بر اینکه «هر کس بخواهد برای صلح با آمریکا مذاکره کند، خائن است» این سوال را پیش کشیده که آیا نگاه او تغییر کرده یا صرفاً همان موضع قبلی را با بیانی تندتر مطرح کرده است. حامیانش می‌گویند هیچ تناقضی وجود ندارد؛ آنها می‌گویند که سیدعلی خمینی هم در گذشته و هم امروز مذاکره را صرفاً یک ابزار می‌داند نه راهی برای آشتی با آمریکا. منتقدان اما معتقدند، فاصله میان توصیف مذاکره‌کنندگان به‌عنوان «مجاهدان دیپلماسی» و به کار بردن واژه «خائن» برای کسانی که مذاکره را راهی برای صلح می‌دانند، آنقدر زیاد هست که نتوان آن را صرفاً تفاوت در شیوه بیان دانست. در کنار همه اینها، جایگاه خود سیدعلی خمینی نیز بر حساسیت‌ها نسبت به این اظهارات افزوده است. او نه مسئولیتی اجرایی در دولت دارد، نه عضو شورای عالی امنیت ملی است و نه نقشی در مدیریت پرونده سیاست خارجی بر عهده دارد؛ اما به‌واسطه انتسابش به بیت امام خمینی (ره) هر موضع‌گیری او، فراتر از یک سخنرانی معمولی دیده و تحلیل می‌شود. به همین دلیل نیز سخنرانی اخیر او، بهانه‌ای برای طرح پرسش‌های بزرگ‌تر شد؛ از جایگاه سیاسی او در ساختار قدرت گرفته تا نسبت دیدگاه‌هایش با سیاست رسمی کشور. از سوی دیگر این پرسش نیز مطرح شد که آیا از نگاه سیدعلی خمینی، مذاکره صرفاً ابزاری برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی است یا می‌تواند به عنوان راهی برای حل اختلاف و کاهش تنش با آمریکا نیز تلقی شود. در کنار این، برخی هم این سوال را مطرح کردند که موضوعی از این دست تا چه اندازه بیانگر دیدگاه شخصی اوست و تا چه حد می‌توان آن را نزدیک به نگاه برخی جریان‌های سیاسی در داخل کشور دانست؟



هرمز و دو کریدور!

کشور عمان طرح جدیدی را برای اداره تنگه هرمز به ایران ارائه کرد

گروه بین‌الملل: درحالی‌که صدای انفجارها هنوز از آسمان خلیج‌فارس دور نشده و دود حملات متقابل ایران و آمریکا بر فراز منطقه دیده می‌شود، در مسقط نقشه‌ای روی میز مذاکره قرار گرفته که شاید بتواند، سرنوشت یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان را تغییر دهد. این بار موضوع فقط باز نگه داشتن تنگه هرمز نیست؛ بحث بر سر این است که چه کسی مسیر عبور کشتی‌ها را تعیین خواهد کرد و چه قدرتی در نهایت کنترل این شاهراه راهبردی را در اختیار خواهد داشت.

شبکه سسی‌ان‌ان به نقل از منابع آگاه گزارش داده که عمان پیش‌نویس طرحی را آماده کرده که براساس آن، تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز از طریق دو کریدور مجزا مدیریت شود؛ کریدوری در جنوب که از آب‌های سرزمینی عمان عبور می‌کند و کریدوری در شمال که در محدوده آب‌های ایران قرار دارد. براساس این پیشنهاد، عبور از مسیر شمالی تنها با موافقت تهران امکان‌پذیر خواهد بود هرچند ایران برای استفاده از این مسیر عوارضی دریافت نخواهد کرد.

این پیشنهاد هنوز به توافق نهایی تبدیل نشده اما هم‌زمان با انتشار آن، وزیر امور خارجه ایران، سیدعباس عراقچی، در رأس هیأتی سیاسی و حقوقی راهی مسقط شد تا با بدر البوسعیدی، همتای عمانی خود، درباره سازوکارهای جدید عبور این کشتی‌ها گفت‌وگو

ادامه تیتربک

کند. مذاکرات بر پایه ماده پنجم تفاهم‌نامه اسلام‌آباد انجام شد؛ بندی که ایران را متعهد می‌کند، شرایط لازم برای عبور امن کشتی‌های تجاری را فراهم کند و در عین حال ادامه رایزنی‌های تهران و مسقط برای تعیین مدل آینده مدیریت تنگه هرمز را ضروری می‌داند. اما آنچه پشت درهای بسته مذاکرات جریان دارد بسیار پیچیده‌تر از یک توافق فنی است. شبکه ای‌بی‌سی نیوز مدعی شده، عراقچی این پیشنهاد را برای تصمیم‌گیری نهایی به تهران منتقل کرده است درحالی‌که خبرنگار آکسیوس به نقل از یک دیپلمات گزارش داده هیأت ایرانی با این طرح موافقت نکرده و بررسی آن را به تصمیم‌گیری در داخل کشور موکول کرده است. همین روایت‌های متفاوت نشان می‌دهد که هنوز اجماعی درباره آینده این طرح وجود ندارد. این درحالی است که در روزهای اخیر، تنگه هرمز بار دیگر صحنه رویارویی مستقیم دو طرف بوده است. پس از حمله به یک کشتی تجاری، آمریکا ایران را مسئول این حادثه معرفی کرد و فرماندهی مرکزی آمریکا، سنتکام، از اجرای موج گسترده‌ای از حملات علیه بیش از ۱۴۰ هدف نظامی در ایران شامل مراکز موشکی، پهبادی و ارتباطی خبر داد. در مقابل، سپاه پاسداران اعلام کرد تنگه هرمز تنها از مسیرهایی که ایران تعیین می‌کند، قابل عبور خواهد بود و هرگونه تخطی با پاسخ نظامی روبرو می‌شود. هم‌زمان از حملات متقابل به

وادار کند. گراهام در قبال روسیه نیز از مواضعی سخت دفاع می‌کرد. تنها یک روز پیش از درگذشتش به اوکرین سفر کرده بود و از تصویب بسته جدید تحریم‌ها علیه مسکو حمایت کرده بود.

شوک در کنگره

مرگ ناگهانی این سناتور باسابقه، فضای کنگره آمریکا را در بهت فرو برد. نمایندگان و سناتورها در نخستین ساعات پس از اعلام خبر از فقدان یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های جمهوری‌خواه، ابراز شگفتی و اندوه کردند. اما اهمیت این اتفاق تنها به از دست رفتن یک سیاستمدار محدود نمی‌شود. درگذشت گراهام، کرسی ریاست کمیته بودجه سنا را نیز خالی کرده است؛ کمیته‌ای که طی سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین مراکز تصمیم‌گیری در واشنگتن تبدیل شده و بسیاری از برنامه‌های دولت دونالد ترامپ از مسیر آن به قانون تبدیل شده‌اند.

قلب قانون‌گذاری جمهوری‌خواهان

اگرچه عنوان «کمیته بودجه» ممکن است صرفاً یک نهاد مالی را تداعی کند اما این کمیته در عمل یکی از قدرتمندترین ابزارهای قانون‌گذاری در سنا یا آمریکاست. لوایح بودجه‌ای برخلاف بسیاری از طرح‌های دیگر برای تصویب تنها به اکثریت ساده نیاز دارند و از همین‌رو جمهوری‌خواهان در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ، بارها از سازوکار «مصلاحه بودجه‌ای» برای پیشبرد برنامه‌های خود استفاده کرده‌اند. در همین چارچوب، صدها میلیارد دلار از هزینه‌های دولت فدرال کاهش یافت و هم‌زمان ۷۰ میلیارد دلار بودجه اضافی به اداره مهاجرت و گمرک آمریکا و گشت مرزی اختصاص داده شد. ترامپ همچنین اخیراً از جمهوری‌خواهان خواسته است با استفاده از همین مسیر، بسته‌ای ۳۵۰ میلیارد دلاری برای تقویت بودجه پنتاگون را نیز به تصویب برسانند.



می‌کند از موقعیت ژئوپلیتیکی خود به‌عنوان اهرم فشار استفاده کند و آمریکا نیز با تکیه بر حضور نظامی و حمایت متحدان منطقه‌ای، مانع از شکل‌گیری نظم جدید مورد نظر تهران شود. حتی تفاهم ۱۴ بندی که ۲۸ خرداد میان رؤسای جمهور دو کشور امضا شد نیز توانست این رقابت را مهار کند.

اکنون پرسش اصلی این نیست که آیا طرح عمان تصویب خواهد شد یا نه؛ بلکه این است که چه کسانی قواعد بازی را در تنگه هرمز خواهد نوشت. آیا ایران با اتکا به موقعیت جغرافیایی، توان موشکی و نفوذ میدانی خود می‌تواند مدل جدیدی از مدیریت این آبراه را تثبیت کند یا ائتلاف آمریکا، کشورهای عربی و فشارهای بین‌المللی نظم پیشین را دوباره برقرار خواهد کرد؟ پاسخ این پرسش نه در متن توافق‌نامه‌ها بلکه در توازن قدرتی نهفته است که در هفته‌ها و ماه‌های آینده در آب‌های پرتلاطم خلیج‌فارس شکل خواهد گرفت.

خاورمیانه

معمار دوحه

امیر سابق قطر درگذشت

حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر سابق قطر در سن ۷۴ سالگی درگذشت. دیوان امیری قطر با اعلام چهار روز عزای عمومی به مناسبت درگذشت «شیخ حمد بن خلیفه آل‌ثانی» یادآور شد که نماز میت امیر سابق و پدر امیر کنونی این کشور بعد از نماز مغرب روز یکشنبه در مسجد جامع محمد بن عبدالوهاب برگزار خواهد شد. شیخ حمد بن‌خلیفه آل‌ثانی در سال ۱۹۵۲ در دوحه پایتخت قطر متولد شد و تحصیلات خود را از مرحله ابتدایی تا پایان متوسطه در همین شهر گذراند سپس به دانشکده نظامی ساند هرست در آمریکا رفت و در سال ۱۹۷۱ از این دانشکده فارغ‌التحصیل شد و به نیروهای مسلح قطر پیوست.

در سال ۱۹۷۷ با وی به‌عنوان ولیعهد قطر بیعت کردند و به‌عنوان وزیر دفاع این کشور تعیین شد. در سال ۱۹۸۹ رئیس شورای‌عالی برنامه‌ریزی شد؛ شورهایی که مسئول ترسیم سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی کشور بود. وی در سال ۱۹۹۵ درحالی‌که پدرش (شیخ خلیفه بن‌حمد آل‌ثانی) به خارج سفر کرده بود، در یک کودتای بدون درگیری و خونریزی او را از قدرت برکنار کرد. امیر سابق قطر، دلیل کودتا را اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور و رکود آن و نیز لزوم مدرن‌سازی در کشور عنوان کرد. شیخ حمد زمانی که قدرت را در قطر به دست گرفت، دستور داد قانون اساسی دائمی تدوین و تصویب شود همچنین نخستین انتخابات شوراها در دوره امیری او در این کشور برگزار شد. برگزاری انتخابات مربوط به انتخاب اعضای اتاق بازرگانی و انتخاب اعضای هیأت صنایع قطر از دیگر اقداماتی بود که در دوران زمامداری او صورت گرفت. شیخ حمد ۱۸ سال بعد از به قدرت رسیدن یعنی در سال ۲۰۱۳ در اقدامی غیرمنتظره قدرت را به پسرش تمیم بن‌حمد آل‌ثانی، امیر کنونی قطر واگذار کرد. او معمار و بنیانگذار قطر جدید بود که از او به‌عنوان راهبر انقلاب اقتصادی و گازی قطر نام برده می‌شد.



پایگاه‌های آمریکا و متحدانش در منطقه همچنین اهدافی در امارات، بحرین، قطر، کویت، عمان و اردن گزارش‌هایی منتشر شد؛ تحولاتی که نشان می‌دهد، بحران از محدوده تنگه فراتر رفته و کل منطقه را درگیر کرده است. در سوی دیگر، سنتکام تأکید دارد که هرمز یک آبراه بین‌المللی است و تردد قانونی کشتی‌ها همچنان ادامه دارد. دونالد ترامپ نیز مدعی شده که این گذرگاه برای عبور و مرور باز است و ایران هیچ کنترلی بر آن ندارد. با این حال تصمیم وزارت حمل‌ونقل قطر برای توقف موقت فعالیت‌های دریایی نشان می‌دهد، نگرانی از گسترش درگیری‌ها کاملاً واقعی است و حتی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیز خود را برای سناریوهای دشوار آماده می‌کنند.

واقعیت این است که پیش از جنگ ۴۰ روزه، مهم‌ترین محور اختلاف تهران و واشنگتن برنامه هسته‌ای ایران بود اما اکنون تنگه هرمز به مهم‌ترین میدان رقابت دو کشور تبدیل شده است. ایران تلاش

میراث قانون‌گذاری

گراهام پیش از درگذشت خود، هدایت دو طرح بزرگ جمهوری‌خواهان را بر عهده داشت. نخست، قانون گسترده مالیاتی و بودجه‌ای موسوم به «قانون کاهش مالیات برای خانواده‌های کارگر» که اصلاحات عمیقی در حوزه‌های درمان، کمک‌های غذایی و وام‌های دانشجویی ایجاد کرد؛ هرچند دموکرات‌ها آن را «لایحه بزرگ و زشت» می‌نامیدند. دومین دستاورد او، تصویب «قانون آمریکای امن» بود؛ قانونی که ۷۰ میلیارد دلار بودجه جدید در اختیار نهادهای مسئول اجرای قوانین مهاجرت قرار داد. این قانون با وجود مخالفت و تحریم رای‌گیری از سوی دموکرات‌ها در نهایت به تصویب رسید. گراهام در دفاع از این قانون، دموکرات‌ها را متهم کرده بود که حاضر نیستند حتی یک دلار به امنیت مرزها اختصاص دهند و همین مسئله جمهوری‌خواهان را ناچار کرده از مسیرهای استثنایی قانون‌گذاری استفاده کنند.

رقابت بر سر جانشینی

اکنون با خالی شدن کرسی ریاست کمیته بودجه، رقابت تازه‌ای در حزب جمهوری‌خواه آغاز شده است. مایک کریو، چاک گرسلی و راجر مارشال از مهم‌ترین گزینه‌های مطرح برای جانشینی او هستند؛ هرچند سایر اعضای جمهوری‌خواه این کمیته نیز می‌توانند در معادلات آینده نقش داشته باشند. جانشین گراهام نه‌تنها ریاست یک کمیته مهم را برعهده خواهد گرفت بلکه در تعیین سرنوشت مهم‌ترین لوایح اقتصادی، دفاعی و مهاجرتی دولت ترامپ نیز نقشی تعیین‌کننده خواهد داشت.

ادعایی بدون سند

هم‌زمان با انتشار خبر درگذشت گراهام، لازار لومر، فعال رسانه‌ای نزدیک به ترامپ با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس مدعی شد که احتمال مسموم شدن این سناتور باید بررسی شود و از روسیه و ایران نام برد. با این حال تاکنون هیچ مقام رسمی یا نهاد مسئول چنین ادعاهایی را تأیید نکرده و هیچ مدرکی برای اثبات این گمانه‌زنی‌ها منتشر نشده است.

واکنش متحدان

درگذشت گراهام با واکنش گسترده متحدان سیاسی او همراه شد. دونالد ترامپ، او را «میهن‌پرستی واقعی» و یکی از بزرگ‌ترین سناتورهای آمریکا توصیف کرد و گفت جای خالی او به‌شدت احساس خواهد شد. در اسرائیل نیز بنیامین نتانیاهو اعلام کرد که این رژیم «یکی از بزرگ‌ترین دوستان خود» را از دست داده است. ای‌تامار بن‌گوییر نیز از گراهام به‌عنوان سیاستمداری یاد کرد که همواره در کنار اسرائیل ایستاد. هم‌زمان رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که نتانیاهو در حال بررسی سفر به آمریکا برای شرکت در مراسم خاک‌سپاری این سناتور است؛ سفری که می‌تواند با دیدار دوباره او و دونالد ترامپ نیز همراه باشد.

مرگ لیندسی گراهام، پایان زندگی یکی از تأثیرگذارترین جمهوری‌خواهان معاصر است اما آثار سیاسی آن تازه آغاز شده است؛ از رقابت بر سر جانشینی او در سنا گرفته تا سرنوشت لوایح کلیدی دولت ترامپ همه نشان می‌دهد، واشنگتن یکی از مهم‌ترین مهره‌های خود را از دست داده است.

گزارش ادبی

ایران شناس سوئدی

بو اوتاس عضو افتخاری
فرهنگستان زبان و ادب فارسی شد



بو اوتاس، ایران شناس برجسته سوئدی و استاد بازنشسته زبان‌های ایرانی
در دانشگاه اوپسالا، به عضویت افتخاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی
برگزیده شد.

شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی به پاس خدمات علمی و ادبی، استاد زبان‌های ایرانی و ادبیات فارسی و ایران‌شناس برجسته سوئدی، او را به عضویت افتخاری فرهنگستان برگزید. برپایه گزارش روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، حجت‌الله فغانی، سفیر ایران در سوئد، با حضور در منزل بو واتس، ضمن ابلاغ قدردانی جامعه علمی و ادبی ایران از خدمات ایشان به زبان و ادبیات فارسی، حکم عضویت افتخاری این ایران‌شناس برجسته را در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به او اهدا کرد.

در این دیدار که مجتبی نوروزی، رابین فرهنگی ایران در سوئد نیز حضور داشت، بو اتاس عضویت افتخاری در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و اهدای جایزه ادبی - تاریخی دکتر محمود افشار در نشانه قدردانی از ایرانیان از تلاش‌های خود و تمام کسانی دانست که به فرهنگ ایران، عشق می‌ورزند. او با اشاره به روابط خوب ایران و سوئد گفت: «نباید اجازه داد برخی مشکلات زودگذر، بر سابقه درخشان روابط فرهنگی و علمی دو کشور تأثیر بگذارد». این استاد ایران‌شناس، تمرکز بر فرهنگ و توجه به اهالی فرهنگ را کلید استمرار روابط دوستانه دو جانبه میان ایران و سوئد دانست. در پایان این دیدار، حکم عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با امضای غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به ایشان اهدا شد.

از سنایی تا هدایت

بو اوتاس که در دبیرستان با ادبیات فارسی آشنا شد از سال ۱۹۵۹ که مطالعه فارسی را در دانشگاه اویسلا آغاز کرد، تا سال ۱۹۷۳، که از رسالهٔ دکتریش دفاع کرد، غیر از فارسی، فارسی میانه، فارسی باستان و اوستایی، زبان‌های عربی، عبری، ترکی، لاتین، یونانی، سنسکریت و چینی نیز آموخت. اوتاس در رسالهٔ دکتریش به تصحیح انتقادی مثنوی عارفانه «طریق التحقیق» پرداخت و بعد از آن هم البته به بخشی مهم از مطالعات او در حوزهٔ ادبیات عرفانی فارسی بوده است. «طریق التحقیق» منظومه‌ای عرفانی در بحر خفیف مخبون مقصور (یا محذوف) است که سال‌ها می‌پنداشتند اثر سنایی غزنوی است. سبب این پندار مشابهت سبک این اثر با سبک سنایی در «حذیقہ الحقیقه» بوده است. بو اوتاس با پیگیری اسناد و شواهد ثابت کرده است که «طریق التحقیق» از سنایی نیست و به بیشترین احتمال فردی به نام احمد بن الحسن بن محمد النخجوانی آن را سروده است. تصحیح این متن خود از لحاظ روش‌شناسی تصحیح انتقادی متون نیز آموزنده است. اوتاس به آثار سنایی غزنوی، خواجه عبدالله انصاری و احمد غزالی، توجهی ویژه مبذول داشته و در ادبیات معاصر به صادق هدایت و فروغ فرخزاد علاقه بسیار دارد و منظومهٔ موش و گربه، سرودهٔ عبید زاکانی را به زبان سوئدی ترجمه کرده‌است. بو اوتاس در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ سفرهای زیادی به ایران و افغانستان داشت. در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱، بو اوتاس در موسسهٔ اسکندربیای مطالعات آسیایی در کینکها به مطالعهٔ فارسی و پشتو اشتغال داشت. او در سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۲ به اصفهان سفر کرد و با بورسیهٔ دانشگاه اصفهان در رشتهٔ ادبیات فارسی تحصیل کرد

در پی وهلی آموخت. اوتاس در سال‌های اقامتش در دانمارک یکی از بنیان‌گذاران مجمع ایران‌شناسی اروپایی بود. انجمنی که بعدها به نهادی برای مطالعات ایران‌شناسی بدل شد و محققانی از سراسر جهان در آن مشغول پژوهش شدند. اوتاس در سال ۱۹۸۱ به منظور پژوهش به اوسالا بازگشت و در سال ۱۹۸۸ به عنوان نخستین استاد مطالعات ایرانی در دانشگاه اوسالا بر کرسی استادی نشست و در سال ۲۰۰۳ بازنشسته شد.



آغاز نبرد غول‌ها

چهار تیم بزرگ فرانسه، اسپانیا، انگلیس و آرژانتین به مرحله نیمه‌نهایی رفتند



تیم اسپایرز

اقلتيك

پس از انجام ۱۰۰ مسابقه در جام جهانی ۲۰۲۶، تنها چهار تیم باقی مانده‌اند: فرانسه، اسپانیا، انگلیس و آرژانتین؛ ترکیبی که از نظر بسیاری از کارشناسان، بهترین سناریوی

ممکن برای پایان یک جام جهانی بزرگ است. در مرحله یک چهارم نهایی، چند اتفاق مهم رخ داد که مسیر مسابقات را تغییر داد. سه ستاره بزرگ جام یعنی لیونل مسی، ارلینگ هالند و هری کین که پیش از این مرحله ۲۱ گل در مجموع زده بودند، در دو بازی آخر مرحله یک چهارم موفق به گلزنی نشدند. در عوض، این خولیان آلاراس و جود بلینگهام بودند که نقش قهرمانان تیم‌هایشان را بازی کردند. آرژانتین مقابل سوئیس با دشواری زیادی پیروز شد. این تیم پس از اخراج برل امبولو، مهاجم سوئیس، نزدیک بود بازی را در وقت قانونی با وقت اضافه به پایان برساند، اما مقاومت سوئیس‌ها باعث شد قهرمان جهان تا مرز ضربات پنالتی پیش برود. گل تماشایی آلاراس در وقت اضافه، آرژانتین را نجات داد. این مسابقه همچنین رکوردی شخصی برای مسی داشت؛ زیرا برای نخستین بار در ۱۰ بازی اخیر جام جهانی توانست گل بزند. آرژانتین در سال‌های اخیر نشان داده تیمی است که حتی در شرایط سخت هم راه پیروزی را پیدا می‌کند. انگلیس نیز شرایط مشابهی داشت. مقابل کروئ، تیم توماس توخل نمایش چندان قانع‌کننده‌ای ارائه نکرد و حتی از حریف عقب افتاد. اما جود بلینگهام بار دیگر در لحظه‌ای که تیمش به او نیاز داشت ظاهر شد و با دو گل، انگلیس را به نیمه‌نهایی رساند.

چهار تیمی که فیفا آرزو داشت

ترکیب نیمه‌نهایی‌ها تقریباً همان چیزی است که هر برگزارکننده جام جهانی دوست دارد: فرانسه، یکی از قدرتمندترین تیم‌های جهان، برابر اسپانیا، قهرمان یورو ۲۰۰۶، آرژانتین، مدافع عنوان قهرمانی، برابر انگلیس، یکی از تاریخی‌ترین رقبای فوتبال جهان. این چهار تیم تنها از نظر کیفیت فنی، بلکه از نظر جذابیت رسانه‌ای نیز بهترین گزینه‌ها هستند. حضور بازیکنانی مانند مسی، امبیه، بلینگهام و ستاره‌های اسپانیا باعث شده پایان جام جهانی ۲۰۲۶ توجه جهانی زیادی جلب کند. آیا فیفا با سیستم سیدبندی، مسیر تیم‌های بزرگ را تا نیمه‌نهایی از هم جدا کرده است؟ فیفا پیش از آغاز مسابقات اعلام کرده بود که برای حفظ تعادل رقابتی، تیم‌های برتر در مسیرهای جداگانه قرار می‌گیرند تا احتمال روبرویی آنها قبل از فینال کمتر شود. منتقدان می‌گویند این کار باعث شده قرعه‌کشی کمتر طبیعی باشد و مسیر برخی تیم‌ها آسان‌تر شود. مخصوصاً درباره آرژانتین بحث‌های مطرح شده، زیرا این تیم تا رسیدن به نیمه‌نهایی تنها با یک تیم از جمع ۲۲ برتر رده‌بندی فیفا روبرو شده است. شاید هم این انتقادها کمی بی‌انصافی باشد؛ زیرا آرژانتین در چند سال اخیر نشان داده مقابل هر حریفی توانایی پیروزی دارد. در چهار جام جهانی و کوپا آمریکا اخیر، آرژانتین در ۲۵ مسابقه تنها یک شکست داشته؛ آن‌هم شکست غیرمنتظره مقابل عربستان در جام جهانی قطر. این تیم زیر نظر لیونل اسکالونی چندین بازی حذفی را در وقت اضافه یا پنتالتی پشت سر گذاشته و دو قهرمانی کوپا آمریکا و یک قهرمانی جام جهانی به دست آورده است. حالا این احتمال وجود دارد که آرژانتین به نخستین تیم پس از برزیل در سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۲ تبدیل شود که دو جام جهانی متوالی را فتح می‌کند.

جود دوست داشتنی

آیا انگلیس تا به حال بازیکنی مثل جود بلینگهام در جام جهانی داشته است؟ بعضی بازیکنان مسابقه‌ها را به دلیل استعداد، دید فوق العاده و مهارت فردی خود تغییر می‌دهند؛ مثل لیونل مسی برای آرژانتین.

بعضی دیگر با قدرت تمام‌کنندگی و توانایی گلزنی ویرانگر سرنوشت بازی را عوض می‌کنند؛ مثل کیلیان امابه برای فرانسه. اما جود بلینگهام به شیوه‌ای متفاوت بازی‌ها را می‌برد؛ او مسابقه‌ها را با قدرت حضور، شخصیت و انرژی فوق‌العاده‌اش تغییر می‌دهد. عملکرد بلینگهام مقابل نروژ، یکی از الهام‌بخش‌ترین نمایش‌هایی بود که یک بازیکن انگلیسی در تاریخ جام جهانی ارائه داده است. وقتی بلینگهام در بهترین فرم خود قرار دارد، مسابقه را تحت تأثیر اراده خودش قرار می‌دهد؛ انگار جریان بازی را به سمت دلخواه خود می‌کشد.

شاید این نگاه کمی نسبت به هری کین بی‌انصافی باشد، اما از زاویه هواداران انگلیس، این جام بیش‌تر از هر چیز به‌نظر می‌رسد که جام جهانی جود بلینگهام است؛ همان‌طور که در گذشته برخی ستاره‌های بزرگ انگلیس، تورنمنت‌های مهم را به‌نام خود ثبت کرده‌اند.

ستاره‌های تاریخی در جام جهانی

در جام جهانی ۱۹۹۰، پل گاسکوئین چهره اصلی انگلیس بود و با بازی‌های احساسی و اخلاقانه‌اش به نماد آن تیم تبدیل شد. در جام جهانی ۱۹۹۸، مایکل ارون در نوجوانی خود را به عنوان یک ستاره جهانی معرفی کرد. در جام جهانی ۲۰۱۸، هری کین با زدن ۶ گل، نخستین بازیکن انگلیسی پس از گری لینه‌کر در سال ۱۹۸۶ شد که کفش طلای جام جهانی را به دست آورد. اما بلیندهام تفاوتی اساسی با این بازیکنان دارد. از نظر حضور در لحظات بزرگ، اعتمادبه‌نفس، کاریزما و حس «این بازی متعلق به من است»، آیا انگلیس تا به حال بازیکنی شبیه او در جام جهانی داشته است؟

مقایسه بارونی، بکام و جرارد

وین رونی در دوران جوانی چنین انرژی‌ای داشت؛ نوعی حس که انگار مسابقه متعلق به اوست، اما هیچ‌گاه نتوانست آن را در جام جهانی به نتیجه تبدیل کند. او در ۱۱ بازی جام جهانی تنها یک گل زد. دیوید بکام نیز می‌توانست انگلیس را رهبری کند و با تلاش، شخصیت و جنگندگی تیم را جلو ببرد، اما تأثیر او بیشتر از مسیر تعهد و کار سخت بود، نه تغییر دادن بازی با درخشش فردی.

نزدیک‌ترین می‌توانستیم شاید استیون جرارد باشد. حرکت بلینگهام برای گلزنی مقابل نورو، سبزه‌های عجیبی به سبک جرارد داشت؛ زمانی که او با قدرت وارد محوطه جریمه شد، پیاپی آنتونی گوردون را پیش‌بینی کرد، بین دو مدافع و دروازه‌بان نورو چند لمس انجام داد و موقعیتی ساخت که شاید هیچ بازیکن دیگری توانایی خلق آن را نداشت. اما تفاوت بزرگ این است که جرارد هم هیچ‌گاه در جام جهانی نتوانست چنین تأثیری بگذارد؛ حداقل نه در سطحی که بلینگهام اکنون دارد.

آگهی تجدید مناقصه عمومی خرید دستگاه ایکس ری (چاپ اول)

سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
اداره کل زندانهای استان گلستان

اداره کل زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان گلستان در نظر دارد یک دستگاه سیستم کمک بازرسی ایکس ری را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی (www.setadiran.ir) و در چارچوب قوانین و مقررات جاریه از طریق فروشندگان واجد شرایط حقیقی یا حقوقی خریداری نماید، لذا از کلیه ی افراد و شرکت های توانمند در این حوزه دعوت می شود. مدت ۱۰ روز از تاریخ چاپ آگهی (۱۴۰۵/۰۴/۲۲) با مراجعه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اسناد مربوطه رادریافت نمایند. تلفن: ۰۱۷-۳۲۴۸۰۶۴۵

فکس: ۰۱۷-۳۲۴۸۰۶۴۵

آدرس اینترنتی: www.Golestanprison.ir

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲

نقد: سینمای جهان

خشم پشت ویتترین های روشن

نگاهی به فیلم «من عاشق دزدی های فروشگاه های هستم» ساخته بوت رایلی

عدنان شاه‌طلایی

منتقد

از میسان خیل عظیمی از فیلم‌هایی که سالانه تولید می‌شوند، بعضی عنوان‌ها، مخاطب را به چالش می‌کشد. این فیلم از همین دسته است؛ عنوانی که ترجمه ساده‌اش «من عاشق دزدی‌های فروشگاه‌های هستم» است. جمله‌ای که در نگاه نخست می‌تواند عجیب، تحریک‌آمیز یا حتی ناراحت‌کننده به‌نظر برسد. گویی فیلم می‌خواهد از همان ابتدا مرزهای آشنای قضاوت اخلاقی را جابه‌جا کند. اما هرچه داستان پیش می‌رود، روشن‌تر می‌شود که هدف اصلی آن، ستایش لباس دزدی نیست؛ فیلم می‌خواهد به زخمی نزدیک شود که پشت این رفتار پنهان مانده است: زخمی از جنس نابرابری، دیده نشدن و خشم فروخورده. فیلم پیش از آنکه درباره میل به دست‌کچی باشد، از جهانی می‌گوید که در آن لباس معنایی فراتر از یک کالا پیدا کرده است. لباس در این فیلم فقط پوششی برای بدن نیست؛ نشانه‌ای از جایگاه موقعیت و تعلق به طبقه‌ای خاص است. پشت هر ویت‌ترین درخشان، داستانی از میل و محرومیت وجود دارد، کسانی که تنها تماشاگر این نمایش‌اند و کسانی که صاحب صحنه. کارگردان: «بوت رایلی» خواننده رپ، بلاگر، آهنگساز، فیلم‌نامه‌نویس و فیلم‌ساز مستقل آمریکایی یک کمونیست پوچ‌گرای مستقل است که فیلم‌نامه آثارش را خودش می‌نویسد. رایلی در سال ۲۰۱۴ دو اثر سینمایی به‌نام‌های «به اداره امنیت داخلی بگوید ما فوق‌العاده‌ایم» و «ببخشید مزاحم شدم» در کارنامه فیلم‌سازی‌اش دارد. فیلم تازه او به سراغ آدم‌هایی می‌رود که معمولاً در حاشیه تصویر باقی می‌مانند؛ فروشگاه‌ها، فروشندگان و کسانی که هر روز با کالاهای سروکار دارند که شاید هیچگاه توان خریدشان را نداشته باشند. آنها باید لبخند بزنند، قفسه‌ها و رگال‌ها را مرتب کنند و بخشی از چرخه بزرگ مصرف باشند؛ چرخه‌ای که سود اصلی‌اش اغلب به کسانی می‌رسد که فاصله زیادی با این موقعیت دارند. جمله آغازین فیلم درباره تقدیم به کارگران فروشگاه‌های که هیچ‌گاه فرصت بیان خشم‌شان را پیدا نکرده‌اند، کلید مهمی برای فهم اثر است، مسئله فقط دستمزد پایین نیست. گاهی درد اصلی احساس نادیده گرفته شدن است؛ اینکه کسی هر روز در ساختن تجربه‌ای لوکس برای دیگران نقش داشته، اما خودش از آن تجربه سهم چندانی نداشته باشد. با این‌حال، فیلم در دام ساده‌سازی نمی‌افتد. شخصیت‌هایش را فرشته نمی‌کند و از دست‌کچی‌ها یک عمل نمی‌سازد.



این نکته اهمیت زیادی دارد؛ زیرا فهمیدن علت یک رفتار با تأیید همان رفتار تفاوت دارد. می‌توان درباره فقر، فشار اقتصادی و خشم اجتماعی حرف زد بدون آنکه قانون‌شکنی را راه‌حل بدانیم. ارزش و جذابیت فیلم در همین است که همه‌چیز را سیاه و سفید نشان نمی‌دهد؛ بلکه شخصیت‌ها اتفاقات یا مسائل را پیچیده و میان خوب و بد به تصویر می‌کشد. ارزش فیلم در همین ابهام و پیچیدگی انسانی نهفته است. فیلم نمی‌گوید هرکس تحت‌فشار است، حق دارد هرکاری را انجام دهد. همان‌گونه که نمی‌گوید هر ثروتمندی الزاماً دشمن دیگران است. نگاه رایلی بیشتر متوجه شکافی است که هر روز عمیق‌تر می‌شود و آدم‌های بیشتری را به نظم موجود بی‌اعتماد می‌کند.

یکی از ظرافت‌های فیلم در این است که لباس را از معنای ساده یک کالا بیرون می‌آورد. در اینجا لباس تبدیل به نشانه‌ای از رویاهایی می‌شود که جامعه مدام به انسان‌ها نشان می‌دهد، برای همین سرقت لباس برای فروش ارزان‌تر آن، در جهان فیلم فقط برداشتن یک شیء نیست، نوعی دست بردن به نمادهایی است که فاصله میان داشتن و نداشتن را آشکار می‌کنند. از سوی دیگر فیلم به تناقض مهمی اشاره دارد. کسانی که در خط‌مقدم اقتصاد مصرفی کار می‌کنند، اغلب بهترین بهره را از آن می‌برند، آنها نزدیک‌ترین افراد به کالاهای لوکس هستند. دزدی‌های فیلم را می‌توان نشانه‌هایی از یک مشکل بزرگ‌تر دانست، آنها فقط لباس نمی‌دزدند، آنها واکنشی آشفته به جهانی نشان می‌دهند که در آن فاصله میان خواستن و داشتن برای بسیاری از مردم، روز به‌روز بیشتر می‌شود. البته این واکنش نه درست است و نه پایدار؛ اما سینما گاهی وظیفه دارد پیش از قضاوت، ما را وادار به دیدن کند. از این زاویه، این فیلم فقط درباره دزدی نیست، درباره ارزش انسان در جامعه‌ای است که گاهی ارزش افراد را با قدرت خریدشان اندازه می‌گیرد. فیلم می‌پرسد وقتی میلیونرها هر روز ثروتمندتر می‌شوند و بخش بزرگی از جامعه احساس می‌کند عقب مانده است، این خشم پنهان سرانجام چگونه خودش را نشان خواهد داد؟ شاید هم مهم‌ترین دستاورد فیلم این باشد که ما را از قضاوت‌های فوری دور می‌کند، نه برای اینکه خطاها را توجیه کنیم، بلکه برای این است که درک کنیم هیچ رفتاری در خلأ شکل نمی‌گیرد. پشت هر کنش اجتماعی مجموعه‌ای از شرایط، فشارها و تجربه‌های انسانی وجود دارد. در پایان این فیلم نه سرود ستایش از بزه‌کاری است و نه دفاعیه‌ای برای قانون‌شکنی، بیشتر مانند نور چراغی است که به گوشه‌ای تاریک از جامعه می‌تاباند، گوشه‌ای که در آن آدم‌های زندگی می‌کنند که سال‌ها صدایشان شنیده نشده است. شاید هم پرسش این باشد، در جهانی که فاصله میان ویت‌ترین‌های پرزرق و برق و زندگی واقعی بسیاری از مردم هر روز بیشتر می‌شود، چگونه می‌توان از خشم کسانی که همیشه پشت شیشه ایستاده‌اند، تعجب کرد؟



آماری خیره‌کننده که باعث شد نروژ پس از سال‌ها دوباره به جام جهانی برسد و برای نخستین‌بار از سال ۱۹۹۸ راهی مرحله یک‌چهارم نهایی شود. هالند در این مسیر، تیمش را به پیروزی‌های بزرگی مقابل تیم‌هایی مانند ایتالیا (دو بار) و برزیل رساند و تبدیل به نماد نسل جدید فوتبال نروژ شد.

البته باید به مارک گونتهی و جان استونز اعتبار داد که در میامی توانستند هالند را مهار کنند. آنها اجازه ندادند خطرناک‌ترین مهاجم جهان تأثیر همیشگی‌اش را روی بازی بگذارد. اما باید اعتبار بیشتری به خود هالند داده شود؛ زیرا او یک کشور را به سرزمینی رساند که پیش از این تجربه‌اش نکرده بود. او نه‌تنها یک گلزن، بلکه موتور حرکت یک تیم ملی بود.

آنچه باید درباره بازی‌های این هفته بدانیم

اگر تا الان کسی از جام جهانی خسته شده باشد: «خب، احتمالاً مشکل از خود او باشد!» در تعطیلی دو روزه مسابقات هواداران فرصت پیدا کردند کمی از فوتبال فاصله بگیرند، بیرون بروند و حتی لباس‌هایی غیر از پیراهن فوتبال بپوشند! اما از سه‌شنبه، همه‌چیز دوباره شروع می‌شود.

نیمه‌نهایی داغ

سه‌شنبه ۲۳ تیر در ورزشگاه شهر دالاس و از ساعت ۲۲:۳۰ به وقت تهران فرانسه و اسپانیا دیدار اول نیمه‌نهایی داغ این دوره از مسابقات را برگزار می‌کنند. فرانسه تیمی با خط حمله فوق‌العاده و اسپانیا تیمی متکی به مالکیت و کنترل بازی است. فرانسه با امباپه، دمبله و اولیسه یکی از خطرناک‌ترین خطوط هجومی جام را دارد. اسپانیا اما تیمی است که می‌تواند با حفظ توپ، حریف را از جریان بازی خارج کند.

چهارشنبه ۲۴ تیر ماه و از ساعت ۲۲:۳۰ در ورزشگاه آتلانتا تیم ملی آرژانتین به مصاف انگلیس می‌رود. مسابقه‌ای که تاریخی جنجالی پشت‌سر آن قرار دارد. تقابل آرژانتین و انگلیس فقط یک بازی فوتبال نیست و خاطراتی مانند گل «دست خدا» مارادونا در ۱۹۸۶ و گل انفرادی تاریخی مارادونا در همان مسابقه و اخراج جنجالی دیوید بکام در جام جهانی ۱۹۹۸ در آن وجود دارد. این‌روزها به‌واسطه فوتبال همه تقریباً از رقابت‌ها و تنش‌های تاریخی دو کشور و ماجراهای فالکند باخبرند. همه اینها وزن این مسابقه را بیشتر می‌کند. اما ماجرا این است که این‌بار داستان اصلی، رویارویی نسل جدید است: لیونل مسی در آخرین جام جهانی خود؟ یا جود بلینگهام در آغاز دوران سلطه‌اش؟ نیمه‌نهایی‌های جام جهانی ۲۰۲۶ دقیقاً همان چیزی هستند که فوتبال‌دوستان انتظارش را دارند: چهار تیم بزرگ، چهار ستاره بزرگ و دو مسابقه که می‌توانند تاریخ‌ساز شوند.

شناسه آگهی ۲۲۲۲۲۸۵ نوبت اول

آگهی فراخوان مناقسه عمومی دو مرحله ای یکپارچه



شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه هفتم در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقسه عمومی دو مرحله‌ای یکپارچه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۵۰۹۶۶۸۳۰۰۰۱۷
شماره مناقسه و تقاضا	مناقسه ۱۴۰۵/۰۲ تقاضای شماره ۴۰۷۴۵۰۴۶۱۸
موضوع مناقسه/ شرح مختصر اقلام درخواستی	دستگاه bet
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۳۳۴۰۲/۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران و مطابق شرایط مندرج در سامانه ستاد می باشد که می‌بایست قبل از تاریخ گشایش پاکتها به صورت فیزیکی تسلیم خریدار و در سامانه نیز بارگذاری گردد.
مبلغ برآوردی مناقسه	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقسه در سامانه ستاد	۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد.
آخرین مهلت بارگذاری پاکات الف، ب، ج و مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	ظرف مدت دو هفته پس از اقباضای مهلت دریافت اسناد می باشد.
آدرس مناقسه گزار	استان بوشهر- شهرستان عسلویه- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی- پالایشگاه هفتم -اداره تدارکات و عملیات کالا

بدیهی است کلیه فرایند برگزاری مناقسه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد و به پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقسه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. مناقسه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۷۷۳۱۳۱۱۴۶۷-۱۴۵۵ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

فشار ریسک سیاسی

آیا فروشندگان بازار سهام را در دست گرفتند؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران دیروز با برتری کامل فروشندگان و افت سنگین شاخص‌های اصلی به پایان رسید. افزایش تنش‌های سیاسی میان ایران و آمریکا بار دیگر ریسک‌های غیراقتصادی را به مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تصمیم معامله‌گران تبدیل کرد و باعث شد، موج گسترده‌ای از عرضه از همان دقایق ابتدایی معاملات شکل بگیرد. فشار فروش به اندازه‌ای گسترده بود که بخش بزرگی از نمادهای بازار در صف فروش قفل شدند و شاخص کل یکی از سنگین‌ترین افت‌های روزانه خود را تجربه کرد. در پایان معاملات، شاخص کل بورس تهران با کاهش ۱۲۶ هزار و ۹۶۳ واحدی معادل ۲.۴۵ درصد، در سطح پنج میلیون و ۵۵ هزار واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز ۲۷ هزار و ۵۱۳ واحد معادل ۲.۰۱ درصد عقب نشست و به ارتفاع یک میلیون و ۳۳۸ هزار واحد رسید. نزدیک بودن درصد افت شاخص کل و شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد، فشار فروش تنها به نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز محدود نبوده و تقریباً همه گروه‌های بازار را دربر گرفته است. در واقع معاملات روز یک‌شنبه را می‌توان یکی از روزهای دانست که ریسک سیاسی بدون توجه به وضعیت بنیادی صنایع و شرکت‌ها، مسیر عمومی بازار را تعیین کرد. بازار سهام پیش از هر عامل دیگری تحت تأثیر تحولات سیاسی و افزایش تنش میان ایران و آمریکا قرار داشت. تجربه ماه‌های گذشته نشان داده است که معامله‌گران بورس تهران نسبت به اخبار سیاسی و امنیتی واکنش سریع و بعضاً شدیدی نشان می‌دهند. این حساسیت پس از جنگ ۱۲ روزه نیز افزایش یافته و هر نشانه‌ای از تشدید تنش می‌تواند انتظارات سرمایه‌گذاران را در مدت کوتاهی تغییر دهد. در چنین فضایی، بخش قابل‌توجهی از سهامداران ترجیح می‌دهند ابتدا ریسک خود را کاهش دهند سپس منتظر روشن‌تر شدن شرایط بمانند. نتیجه این رفتار، افزایش ناگهانی عرضه و کاهش تقاضا برای خرید سهام است. معاملات روز یک‌شنبه نیز دقیقاً از همین الگو پی‌روی کرد. فروشندگان از ابتدای بازار دست بالا را داشتند و با گذشت زمان، فشار عرضه کاهش پیدا نکرد. در شرایط عادی، کاهش قیمت سهام می‌تواند خریداران جدیدی را وارد بازار کند؛ اما زمانی که منشأ افت بازار یک ریسک سیاسی یا امنیتی است، کاهش قیمت لزوماً به افزایش تقاضا منجر نمی‌شود. معامله‌گران در چنین شرایطی بیش از آنکه به ارزندگی سهام توجه کنند به آینده تحولات سیاسی می‌اندیشند. به همین دلیل حتی سهامی که از نظر بنیادی در شرایط مناسبی قرار دارند نیز ممکن است با فشار فروش مواجه شوند. در پایان بازار تنها ۱۱۷ نماد در محدوده مثبت قرار گرفتند، درحالی که ۶۷۶ نماد معاملات خود را با کاهش قیمت به پایان رساندند. این ترکیب نشان می‌دهد، موج نزولی تقریباً همه بخش‌های بازار را تحت تأثیر قرار داده است. وضعیت سفارش‌های خرید و فروش نیز تصویر نگران‌کننده‌تری از بازار ارائه می‌کند. ارزش سفارش‌های خرید در پایان معاملات به یک هزار و ۹۷۳ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش ۲۳ هزار و ۸۰۷ میلیارد تومان بود. به این ترتیب ارزش سفارش‌های فروش بیش از ۱۲ برابر سفارش‌های خرید بود. این شکاف بزرگ میان عرضه و تقاضا نشان می‌دهد بخش مهمی از سهامداران همچنان در موقعیت فروش قرار دارند. ادامه چنین وضعیتی می‌تواند، فشار عرضه را به معاملات روزهای آینده نیز منتقل کند؛ مگر آنکه انتشار اخبار سیاسی مثبت یا ورود تقاضای قدرتمند، انتظارات معامله‌گران را تغییر دهد. یکی دیگر از نشانه‌های مهم معاملات روز یک‌شنبه، کاهش محسوس ارزش معاملات خرد بود. ارزش معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی در پایان بازار به ۱۱ هزار و ۷۶۹ میلیارد تومان رسید و به کمتر از ۱۲ همت سقوط کرد. کاهش ارزش معاملات در شرایطی رخ داد که بخش بزرگی از نمادها در صف فروش قفل شده بودند. بنابراین بخشی از افت ارزش معاملات را باید ناشی از نبود خریدار و انجام نشدن معامله در بسیاری از نمادها دانست. وجود صف فروش الزاماً به معنای معامله حجم زیادی از سهام نیست؛ زمانی که تقاضایی وجود ندارد، فروشندگان در صف باقی می‌مانند و ارزش معاملات نیز کاهش پیدا می‌کند.

مفقودی مدرک تحصیلی

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجناب هادی نیزه باز پیرکلاچاهی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۵۵۴ و کد ملی ۲۵۹۳۷۰۴۵۳ صادره از رشت در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی بهداشت محیط صادره از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با شماره ۱۰۷۶۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار قانونی است.از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به نشانی اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان ستاد مرکزی ارسال نماید.
نوبت اول ۱۴۰۵/۴/۲۲
نوبت دوم ۱۴۰۵/۵/۰۱
نوبت سوم ۱۴۰۵/۵/۱۱

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

مقصران نفوذ

چه کسی پاسخگوی هک بانکی است؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

حمله سایبری به یک بانک را نمی‌توان صرفاً یک اختلال فنی یا حادثه‌ای در حوزه فناوری اطلاعات تلقی کرد. وقتی میلیون‌ها نفر دارایی، اطلاعات شخصی و امکان انجام مبادلات روزمره خود را به شبکه بانکی می‌سپارند، امنیت این شبکه به بخشی از امنیت عمومی کشور تبدیل می‌شود. از این منظر همان‌طور که سهل‌انگاری در نگهداری از یک سد، نیروگاه یا پالایشگاه می‌تواند، مسئولیت سنگین حقوقی و قضایی برای مدیران ایجاد کند، بی‌توجهی به امنیت زیرساخت‌های بانکی نیز نمی‌تواند بدون پاسخ بماند. تجربه حملات سایبری به بانک‌های ایرانی در جریان جنگ ۱۲ روزه و رخداد‌های پس از آن یک پرسش مهم را پیش روی افکار عمومی قرار داده است. اینکه اگر مشخص شود، مدیران یا نهادهایی در سال‌های گذشته نسبت به هشدارهای امنیتی بی‌توجه بوده‌اند، بودجه کافی برای حفاظت از شبکه اختصاص نداده‌اند، معماری پشتیبان ایجاد نکرده‌اند یا آسیب‌پذیری‌های شناخت شده‌را نادیده گرفته‌اند، آیا نباید پاسخ‌گو باشند؟

پاسخ روشن است. اگر قصور مدیریتی اثبات شود، برخورد اداری یا برکناری کافی نیست. در مواردی که بی‌توجهی مدیران، میلیون‌ها مشتری و بخش مهمی از اقتصاد کشور را در معرض خطر قرار داده، موضوع باید از منظر مسئولیت حقوقی و در صورت وجود شرایط قانونی، مسئولیت کیفری نیز بررسی شود.

بیباید داستان هک بانک‌های ایرانی را یک بار با هم مرور کنیم. با آغاز جنگ موسوم به جنگ ۱۲ روزه، شبکه بانکی ایران نیز در معرض حملات سایبری شدید قرار گرفت. نخستین موج حملات در اواخر خرداد ۱۴۰۴ بانک سپه و بانک پاسارگاد را هدف قرار داد. در نتیجه این حملات، بخشی از خدمات الکترونیکی این بانک‌ها از جمله همراهبانک، اینترنت‌بانک، خودپردازها و برخی سامانه‌های پرداخت با اختلال جدی مواجه شدند. برخی گروه‌های هکری مسئولیت حملات را برعهده گرفتند و مدعی نفوذ به زیرساخت‌های بانکی شدند. اختلال در بانک سپه به دلیل گستردگی شبکه مشتریان و نقش این بانک در ارائه خدمات به بخش‌های مختلف اقتصادی و دولتی، بازتاب زیادی داشت. مشتریان برای دسترسی به حساب‌های خود، انتقال وجه و استفاده از برخی خدمات روزمره با مشکل مواجه شدند و بازگشت کامل برخی خدمات نیز زمانبر بود. در آن مقطع بخش عمده توجه افکار عمومی به مهاجمان سایبری معطوف شد. این واکنش طبیعی بود. کشوری درگیر جنگ بود و شبکه بانکی آن هدف حمله قرار گرفته بود. اما پس از عبور از شرایط اضطراری پرسش دیگری اهمیت پیدا کرد: چرا حمله توانست چنین اختلال گسترده‌ای ایجاد کند؟

چنانکه امیر ایم‌شکاری می‌گوید، در امنیت سایبری یک اصل ساده وجود دارد. نمی‌توان همیشه مانع حمله شد اما می‌توان مانع تبدیل حمله به بحران شد. تفاوت یک زیرساخت تاب‌آور با یک

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

کشور ناتراز

ایران چگونه ثروتمندترین کشور فقیر دنیا شد؟

فریده اسکندری
گروه اقتصاد

روی نقشه جهان، ایران باید یکی از برندگان اقتصاد باشد. کشوری با ذخایر عظیم نفت و گاز، معادن متنوع، دسترسی به آب‌های آزاد، بازار بزرگ داخلی و موقعیتی جغرافیایی که شرق را به غرب و شمال را به جنوب متصل می‌کند. کمتر کشوری مجموعه‌ای از این مزیت‌ها را هم‌زمان در اختیار دارد. با این حال نتیجه اقتصادی ایران با ظرفیت‌های جغرافیایی و طبیعی آن تناسب ندارد. چرا کشوری که تقریباً همه چیز دارد، در ایجاد رشد پایدار و افزایش رفاه شهروندان خود با مشکل مواجه است؟ ایران یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان است اما سال‌هاست با ناترازی انرژی روبه‌رو است. کشوری که روی دریایی از گاز نشسته در زمستان برای تأمین گاز صنایع محدودیت ایجاد می‌کند

زیرساخت آسیب‌پذیر دقیقاً در همین نقطه آشکار می‌شود. سامانه امن، سامانه‌ای نیست که هرگز مورد حمله قرار نگیرد؛ بلکه سامانه‌ای است که در صورت حمله بتواند آسیب را محدود کند، خدمات حیاتی را ادامه دهد و در کوتاه‌ترین زمان به وضعیت عادی بازگردد. بر همین اساس موفقیت مهاجم تنها یک سوی ماجراست. سوی دیگر، کیفیت دفاع است.

حمله دوباره

اکنون ادامه حملات و اختلال در خدمات چند بانک بزرگ نگرانی‌ها را افزایش داده است. زمانی که چهار بانک بزرگ دولتی شامل بانک ملی ایران، بانک تجارت، بانک صادرات ایران و بانک توسعه صادرات ایران با اختلال در خدمات الکترونیکی مواجه می‌شوند، دیگر نمی‌توان مسئله را صرفاً به یک بانک، یک مدیر فناوری اطلاعات یا یک خطای موردی محدود کرد. اختلال در همراهبانک، اینترنت‌بانک، خودپردازها، پایانه‌های فروش یا تراکش‌های بین‌بانکی برای اقتصادی که بخش بزرگی از مبادلات روزمره آن دیجیتالی شده، مسئله‌ای بسیار جدی است. میلیون‌ها نفر برای خرید، انتقال پول، پرداخت حقوق، تسویه بدهی و انجام فعالیت‌های تجاری به شبکه بانکی وابسته‌اند. توقف یا اختلال طولانی در این خدمات می‌تواند، زنجیره‌ای از مشکلات را ایجاد کند. مسئله نگران‌کننده‌تر زمانی است که نارسایی در خدمات بانکی برای مدت طولانی ادامه پیدا کند. در چنین شرایطی آثار بحران از نارضایتی مشتریان فراتر می‌رود. بنگاه‌ها در پرداخت به تأمین‌کنندگان دچار مشکل می‌شوند، فروشگاه‌ها نمی‌توانند برخی تراکش‌ها را انجام دهند، انتقال منابع میان افراد و شرکت‌ها مختل می‌شود و اعتماد عمومی به ابزارهای پرداخت کاهش پیدا می‌کند. اگر مردم احساس کنند در شرایط بحرانی ممکن است برای مدت طولانی به حساب یا دارایی خود دسترسی نداشته باشند، رفتار اقتصادی آنها نیز تغییر می‌کند. افزایش تمایل به نگهداری پول نقد، خرید ارز و طلا یا انتقال منابع به شبکه‌های غیررسمی می‌تواند یکی از پیامدهای کاهش اعتماد به شبکه بانکی باشد بنابراین امنیت سایبری بانک‌ها، بخشی از ثبات اقتصاد کلان است.

چه کسی باید پاسخ‌گو باشد؟

پس از هر حمله سایبری، سادترین توضیح این است که «دشمن حمله کرد». بدون تردید مسئولیت اصلی حمله متوجه مهاجم است. اما این توضیح نمی‌تواند همه پرسش‌ها را پاسخ دهد. فرض کنیم ساختمانی به عمد به آتش کشیده شود. عامل آتش‌سوزی مجرم است؛ اما اگر مشخص شود مدیر ساختمان سال‌ها اخطارهای ایمنی را نادیده گرفته، سیستم اعلام حریق را تعمیر نکرده، درهای اضطراری را بسته و تجهیزات اطفای حریق را از مدار خارج کرده است، آیا می‌توان همه مسئولیت را متوجه فرد آتش افروز دانست؟

در شبکه بانکی نیز باید همین منطق حاکم باشد. باید مشخص شود در سال‌های گذشته چه هشدارهایی درباره آسیب‌پذیری شبکه بانکی مطرح شده است؟ این هشدارها به دست چه مدیرانی رسیده؟

چه اقداماتی باید انجام می‌شده و انجام نشده است؟ آیا بودجه‌های امنیت سایبری به درستی هزینه شده‌اند؟ آیا بانک‌ها ملزم به انجام آزمون‌های نفوذ و ارزیابی‌های مستقل امنیتی بوده‌اند؟ آیا سامانه‌های پشتیبان واقعاً از شبکه اصلی استقلال داشته‌اند؟ برنامه تداوم کسب‌وکار بانک‌ها در شرایط جنگ و حمله سایبری چه بوده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها باید از طریق یک بررسی مستقل و تخصصی به دست آید.

در ماه‌های گذشته حتی درباره عملکرد مدیران برخی نهادهای اصلی فناوری بانکی و از جمله مدیرعامل پیشین شرکت ملی انفورماتیک، پرسش‌هایی مطرح شده است. برخی معتقدند، صرف برکناری مدیرانی که در دوره مسئولیت آنها ضعف‌های مهم زیرساختی شکل گرفته یا تداوم یافته، کافی نیست و در صورت وجود مستندات باید عملکرد آنها مورد بررسی قضایی قرار گیرد. البته باید بر یک نکته مهم تأکید کرد: برکناری یک مدیر یا وقوع حمله در دوره مسئولیت او به معنای مجرم بودن او نیست. مسئولیت کیفری نیازمند اثبات قصور، تقصیر یا ترک فعل مؤثر براساس قوانین کشور است. اما درست به همین دلیل تشکیل پرونده بررسی و انجام تحقیقات مستقل اهمیت دارد. نه می‌توان بدون سند مدیران را مجرم شناخت و نه می‌توان به دلیل پیچیدگی فنی موضوع، اساساً از بررسی مسئولیت آنها صرف‌نظر کرد.

به هر حال ضرورت تهیه و تدوین یک گزارش ملی درباره هک بانک‌ها وجود دارد و نخستین اقدام ضروری، انتشار گزارشی جامع و تا حد ممکن عمومی درباره حملات سایبری به شبکه بانکی است. طبیعی است که جزئیات فنی و امنیتی حملات نباید منتشر شود اما مردم حق دارند، بدانند چرا خدمات بانکی آنها مختل شده و چه اقداماتی برای جلوگیری از تکرار این اتفاق انجام شده است. یک هیأت مستقل متشکل از متخصصان امنیت سایبری، بانکداری، حقوق و مدیریت بحران باید زنجیره تصمیم‌گیری در سال‌های گذشته را بررسی کند. این بررسی نباید به مدیران فعلی محدود شود. امنیت سایبری محصول تصمیم‌های انباشته است و ممکن است، ریشه یک آسیب‌پذیری به چند سال قبل بازگردد. اگر مشخص شود، مدیر یا مدیرانی هشدارهای امنیتی را نادیده گرفته‌اند، اجرای پروژه‌های ضروری را متوقف کرده‌اند یا برخلاف استانداردهای حرفه‌ای عمل کرده‌اند، پرونده آنها باید به مراجع قانونی ارجاع شود. در مقابل، اگر مدیران اقدامات لازم را انجام داده‌اند و حمله از سطحی فراتر از توان متعارف دفاعی برخوردار بوده باید این واقعیت نیز صریحاً اعلام شود. هدف از این بررسی نباید پیدا کردن قربانی باشد. هدف باید کشف حقیقت و ایجاد پاسخ‌گویی باشد. چراکه بانکداری بیش از هر صنعت دیگری بر اعتماد بنا شده است. مشتری پول خود را به بانک می‌سپارد زیرا اطمینان دارد هر زمان که بخواهد، می‌تواند به آن دسترسی پیدا کند. اگر این اطمینان از بین برود حتی سالم‌ترین ترازنامه بانکی نیز با مشکل مواجه می‌شود. به همین دلیل هک بانک یک حادثه معمولی نیست. حمله به شبکه بانکی، حمله به یکی از ستون‌های اعتماد در اقتصاد است. در چنین شرایطی، مجازات مقصران احتمالی انتقام‌گیری نیست؛ بخشی از سازوکار حفاظت از اعتماد عمومی است. مدیران زیرساخت‌های حیاتی باید بدانند مسئولیت آنها با مدیر یک بنگاه معمولی تفاوت دارد. تصمیم یا بی‌تصمیمی آنها می‌تواند، زندگی میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار دهد. در عصر بانکداری دیجیتال، سهول انگاری سایبری دیگر یک اشتباه فنی ساده نیست. گاهی می‌تواند، میلیون‌ها نفر و ثبات اقتصادی یک کشور را در معرض خطر قرار دهد. درست از همین رو زمان آن رسیده است که مسئولیت مدیران در برابر امنیت دیجیتال نیز به اندازه مسئولیت آنها در برابر پول و دارایی مردم جدی گرفته شود.

در شمال و جنوب دارد اما اقتصاد دریا هنوز سهمی متناسب با این ظرفیت در تولید و تجارت کشور ندارد. بسیاری از شهرهای ساحلی با فقر، کمبود زیرساخت و فرصت‌های محدود اقتصادی مواجه‌اند؛ درحالی که در کشورهای موفق، سواحل معمولاً کانون تجارت، صنعت و شکل‌گیری شهرهای بزرگ اقتصادی هستند. شاید خطای اصلی این باشد که برای دهه‌ها تصور کرده‌ایم، داشتن منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی خودبه‌خود مزیت اقتصادی ایجاد می‌کند. اما جغرافیا فقط یک امکان است. نفت تا زمانی که به سرمایه تبدیل نشود، معدن تا زمانی که فناوری و زنجیره ارزش نداشته باشد و موقعیت ترانزیتی تا زمانی که راه‌آهن، بندر و روابط تجاری پایدار ایجاد نشود، ثروت تولید نمی‌کند. تجربه جهان نشان می‌دهد، کشورهایی وجود دارند که تقریباً هیچ‌یک از مزیت‌های طبیعی ایران را ندارند اما ثروتمند شده‌اند؛ و کشورهایی نیز هستند که روی منابع عظیم طبیعی نشسته‌اند اما شهروندانشان فقیر مانده‌اند. تفاوت را باید در کیفیت حکمرانی، نهادها، سرمایه‌گذاری و نحوه تبدیل فرصت به مزیت جست‌وجو کرد. بنابراین پرسش اصلی این نیست که ایران چه دارد. فهرست دارایی‌های ایران را همه می‌دانیم. پرسش مهم‌تر این است که چرا نتوانسته‌ایم این دارایی‌ها را به ثروت پایدار تبدیل کنیم؟ شاید ایران نمونه کشوری باشد که از نظر جغرافیا ثروتمند است اما هنوز نتوانسته، اقتصاد خود را به اندازه جغرافیایش ثروتمند کند.

بی خبری از شاهین و سه‌ه‌ند!

تجمع اعتراضی حواله‌داران سایپا در تهران

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



بیس‌ستم تیرماه، گروهی از خریداران و حواله‌داران شرکت خودروسازی سایپا در مقابل ساختمان امور مشتریان این شرکت در تهران تجمع کردند. براساس تصاویر و ویدئوهای منتشرشده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، فضای این تجمع که حوالی ساعت ۱۱ صبح شکل گرفت با تش و گلايه‌های جدی همراه بود و معترضان خواستار تعیین تکلیف فوری پرونده‌های خود شدند. برخلاف تجمعات ماه‌های گذشته که معمولاً به یک یا دو محصول خاص محدود می‌شد، ویژگی تجمع روز گذشته حضور دارندگان حواله طیف گسترده‌ای از محصولات جدید و قدیمی این شرکت بود؛ متقاضیان خودروهای شاهین، اطلس، سایپا، سه‌ه‌ند، کوئیک و حتی پراید وانت با در دست داشتن پلاکاردهایی به عدم صدور فاکتور و عدم امکان تکمیل وجه پس از ماه‌ها و سال‌ها انتظار اعتراض کردند.

روایات خریداران؛ «سرمایه‌های ما در تونل تعهدات معوق»
بسیاری از شرکت‌کنندگان در تجمع روز گذشته می‌گویند برای تأمین وجه اولیه ثبت‌نام خودرو، سال‌ها پس‌انداز کرده یا

شهر

تحت فشارهای اقتصادی سنگین مجبور به فروش دارایی‌های دیگر خود شده‌اند. یکی از حواله‌داران معترض در جریان تجمع گفت: «مستولان شرکت در زمان ثبت‌نام هرگز به ما نگفتند که با کمبود قطعه، مشکلات شدید نقدینگی یا ناتوانی در تولید مواجه هستند؛ اما امروز پس از گذشت بیش از سه سال از زمان ثبت‌نام هنوز خودرویی به ما تحویل داده نشده و هیچ پاسخ روشنی هم دریافت نمی‌کنیم». انتقاد اصلی و محور کلیدی اعتراضات روز گذشته به تداوم اجرای طرح‌های فروش و پیش‌فروش‌های جدید سایپا در بستر بازار اختصاص داشت. معترضان و کارشناسان این پرسش را مطرح می‌کنند که اگر یک بنگاه تولیدی، توانایی ایفای تعهدات سه سال گذشته خود را ندارد چرا همچنان به جذب مشتریان جدید ادامه می‌دهد؟ برخی از معترضان مدعی هستند که ادامه این ثبت‌نام‌ها، ساختاری شبیه به یک مدل جذب نقدینگی دارد که در آن خودرو تنها یک ویرین است و پول مشتریان جدید صرفاً برای پوشش دادن حفره‌های مالی و تعهدات قبلی شرکت هزینه می‌شود.

ریشه بحران؛ سامانه یکپارچه و گره کور قطعه‌سازان

بررسی سیر تحولات نشان می‌دهد که ریشه بخشی از بحران کنونی به سیاست‌های توزیع و پیش‌فروش در سال‌های گذشته بازمی‌گردد. علی‌ش‌خ‌زاده، مدیرعامل گروه خودروسازی

سرنوشت موزه ملی «کار»

یک سال پس از افتتاح رسمی، شهرداری تهران حکم تخلیه موزه کار را گرفت

مریم اطمیابی

خبرنگار



یک روز گرم تابستان وقتی گذرت به خیابان اجاره‌دار و کوچه گلبایگانی‌ها نزدیک کوچه دقت برسد، در میانه کوچه گلبایگانی‌ها باغی توجه‌ات را جلب می‌کند، باغی که به پارکی بدل شده و اهالی در آن مشغول ورزش و پیاده‌روی و گپ‌وگفت هستند. اما در گوشه شمالی باغ، ساختمانی جلوه‌گری خاصی می‌کند، ساختمانی شبیه ساختمان‌های سادروان لرزاده. روی بخشی از کاشی‌های آن با خط خوش شعری با این مضمون حک شده است: در این خانه هر کس که پا می‌نهد / قدم بر سر و چشم ما می‌نهد. وقتی داخل پارک می‌شوی، آنچه وسوسه‌ات می‌کند، تابلو سرماییکی آبی رنگی است که با خط خوشنویسی روی آن نوشته شده: «موزه ملی کار» و دست بر قضا در توضیحات تابلوی دیگر تأکید شده حدود یک‌صد سال پیش با طرحی از زندیاد استاد معماری حسین لرزاده این ساختمان و باغ ساخته شده است.

داخل پارک می‌شوم. با یکی از اهالی محله که زیر یکی از درختان داخل پارک نشسته سر صحبت را باز می‌کنم، می‌گوید: قدیمی‌ها این باغ را متعلق به پاشاخان از نزدیکان دربار پهلوی می‌دانند. بعدها اینجا را به آقای میرشکار، مالک کارخانه میل دقت، که از سرشناسان محله خواجه نظام‌الملک بوده، فروخته است. اینجا همه ملک را به نام خانواده دقت (میرشکار) می‌شناسند. او ادامه می‌دهد: یک وقتی خبر رسید، می‌خواهند باغ و ساختمانش را تخریب کنند، اهالی محله هم دست به دامن شهرداری شدند که نگذار این باغ خراب شود. سال ۸۵ شهرداری تهران در دوره محمدباقر قالیباف، اینجا را خرید. شهرداری باغ و ساختمان را مرمت کرد و در اختیار بنیاد امیرکبیر و موزه دکتر حسن حبیبی گذاشت. او با اشاره به اینکه سال ۱۴۰۰ در دوره شهرداری پیروز حناچی، یک ساختمان دیگر در تجریش در اختیار موزه حبیبی و بنیاد امیرکبیر قرار گرفته، می‌افزاید: شهرداری منطقه ۷ بار دیگر باغ دقت را تحویل گرفت و پس از آماده‌سازی طی سه سال، ساختمان واقع در بخش شمالی باغ در سال ۱۴۰۳ تبدیل به موزه ملی کار کرد. به گفته این معلم پازنشسته ظاهراً فقط ساختمان در اختیار موزه است و باغ جلوی آن در اختیار فضای سبز شهرداری است. با همه این تفاسیر، اهالی محله از احداث این موزه خیلی خوشحال بودند و کودکان و نوجوانان به این موزه می‌آمدند تا با مشاغل مختلف آشنا شوند اما مشخص نیست چرا موزه مدت‌هاست (از دی‌ماه ۱۴۰۴) بسته شده و باز نمی‌شود. آن هم در تابستان که چه‌ها تعطیل هستند و می‌توانند، اوقات مفیدی را در این موزه بگذرانند. این معلم می‌گوید: باید حتماً به این موزه سرزنید، از شیر مرغ تا جان آدمیزاد

از تاریخچه صنعت معدن، کشاورزی، چاپ، عکاسی، آشپزی، نجاری، آهنگری، نساجی، خیاطی و پزشکی و... تا اسناد مختلف در این موزه یافت می‌شود و بچه‌ها همیشه با شوق و ذوق از موزه خارج می‌شوند و حال خوبی دارند.

به گزارش سازندگی، موزه ملی کار در اواخر دولت دوازدهم با دستور «محمد شریعتمداری» وزیر وقت تعاون پایه‌گذاری و به ثبت رسید و از وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی مجوز اولیه راه‌اندازی گرفت. پس از آن پیرو مذاکراتی که با شهردار وقت صورت گرفت از اردیبهشت ۱۴۰۰ ساختمان کنونی برای ایجاد موزه ملی کار



در اختیار مدیریت آن قرار گرفت و این واگذاری از سوی شورای‌شهر وقت تهران نیز مورد تأیید قرار گرفت. اگر به فهرست کتابچه راهنمای گردشگری تهران که توسط شهرداری به چاپ رسیده نگاه کنیم، باغ موزه قصر، موزه ملی کار، موزه خوشنویسی، موزه عکاسخانه شهر و موزه رضا عباسی از جمله جاذبه‌های موزه‌ای این منطقه هستند.

موزه‌ای که بی‌صدا تعطیل شد

تعطیلی موزه از دی‌ماه تاکنون چندان جای تعجبی ندارد آن هم بسا توجه به حوادث تلخ دی‌ماه و جنگ ۴۰ روزه، کما اینکه موزه‌های میراث فرهنگی هم در این مدت تعطیل بودند اما گفت‌وگو با چند نفر دیگر در پارک به یک حقیقت تلخ ختم می‌شود که شهرداری منطقه ۷ حکم تخلیه ملک موزه را صادر کرده و برخی کارکنان موزه هم رفته‌اند! حتی میراث فرهنگی برای جلوگیری از این واگذاری، نامه‌ای به شهرداری ارسال کرده است!

با پیگیری از وزارت میراث فرهنگی مشخص می‌شود در تاریخ ۲۸ بهمن سال گذشته، نامه‌ای از سوی سیدرضا صالحی‌امیری خطاب به علیرضا زاکانی، شهردار تهران ارسال و تأکید شد: «استقرار و فعالیت موزه ملی کار در محل فعلی از بدو شکل‌گیری تاکنون با حمایت شورای اسلامی و شهرداری تهران همراه بوده که این همراهی و نگاه حمایتی شایسته تقدیر و قدردانی است و انتظار می‌رود در راستای تداوم مأموریت فرهنگی و اجتماعی موزه این حمایت ارزشمند استمرار یابد».

در بخشی از این نامه آمده است: «حسب گزارش‌های واصله این موزه به‌موجب دستور صادره از سوی شهرداری منطقه ۷ تهران با موضوع تخلیه محل استقرار مواجه شده است. این درحالی است که با توجه به ماهیت کاملاً فرهنگی و آموزشی هزینه‌های انجام‌شده در راستای آماده‌سازی، تجهیز، ساماندهی و معرفی موزه و نیز اهمیت جانمایی فعلی آن، که در محدوده منطقه، موزه‌ای با این موضوع و کارکرد تخصصی پیش‌بینی و جانمایی نشده، تداوم فعالیت موزه در مکان موجود، اهمیت ویژه‌ای دارد. براین اساس با عنایت به وظایف و اختیارات قانونی شهرداری تهران بزرگ در حمایت از فضاها و فعالیت‌های فرهنگی و عمومی شهر خواشتمند است، دستور فرمایید ضمن بررسی موضوع ترتیبی اتخاذ شود تا امکان تمدید مدت بهره‌برداری موزه ملی کار در محل فعلی، مطابق روال گذشته و بدون اخذ اجاره‌پها فراهم شود تا این مجموعه بتواند بدون وقفه به فعالیت‌های فرهنگی آموزشی و تخصصی خود ادامه دهد».

اجاره‌ای که از توان یک موزه خارج است

این درحالی است که اهالی محله می‌گویند، شهرداری خواهان اجاره چند ۱۰ میلیونی از موزه‌ای است که یک مکان فرهنگی به‌شمار می‌رود و یک سال بیشتر قدمت ندارد و قیمت بلیت آن برای بزرگسالان ۳۰ هزار تومان و برای دانش‌آموزان و دانشجویان و بازنشستگان و کارمندان شهرداری نصف همین قیمت است. به عبارتی موزه حتی درآمد ۱۰ میلیونی هم در ماه ندارد چه برسد به اینکه بخواهد، اجاره‌ای چند ۱۰ میلیونی پرداخت کند آن هم موزه‌ای که بیشتر مخاطبانش، دانش‌آموزان راهنمای و دبیرستانی هستند که قرار است با تاریخچه مشاغل آشنا شوند و بتوانند برای آینده شغلی خود بهتر تصمیم بگیرند! این درحالی است که س‌رای محله هم با موزه در تعامل بوده و بازدیدکنندگانی را راهی موزه می‌کرده یا به موزه هنگام حضور بازدیدکنندگان کمک می‌کرده است. اهالی محله حالا نگرانند که نکند این موزه برای همیشه بسته شود. آنها می‌گویند، آقای دقت و خانواداش اهل کار خیر بودند و حیف است و شهرداری نباید بگذارد اینجا بسته شود. سه شخصیت حقوقی شامل وزرای وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و فرهنگ و ارشاد اسلامی، هیأت امنای این موزه هستند و شاید ضروری است، شهرداری هم عضو این هیأت امنا باشد.

ظاهراً نامه‌ای از سوی رئیس موزه ملی کار در ۲۶ فروردین ۱۴۰۲ به مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران و علیرضا زاکانی، شهردار تهران ارسال و درخواست شده، مراحل قانونی جهت عضویت شهرداری و شورای شهر تهران در هیأت امنای این موزه فراهم شود. امری که تا زمان نگارش این گزارش بی‌پاسخ مانده است. این درحالی است که ساختمان موزه ملی کار جزو فهرست املاک قابل واگذاری حق بهره‌برداری مصداق بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری است و امضای رئیس وقت شورای‌شهر و اعلام آن به شهردار وقت را دارد.

شهرداری نه‌لنگ اجاره گرفتن از یک موزه است، نه وجهه خوبی برای کارنامه شهرداری دارد که یک مرکز فرهنگی، آموزشی-موزه‌ای که بخشی از هویت فرهنگی تاریخی کشور را در خود مستتر دارد، ببندد.



خودروساز دولتی خودداری کنند. این بن‌بست مالی درحالی گریبان خریداران نهایی را گرفته که آنها مطالب درخواستی را پیشاپیش و به‌طور کامل پرداخت کرده بودند.

ملک بفروشید، بدهی تسویه کنید

در جریان تجمع روز گذشته و در پیوند با تحلیل‌های کارشناسان، گزینه‌های جایگزین برای حل این بحران مالی نیز مورد توجه قرار گرفت. یکی از چالش‌های جدی که منتقدان به آن اشاره می‌کنند، وجود حجم گسترده‌ای از املاک، زمین‌ها و دارایی‌های غیرمولد در تملک شرکت سایپاست. بسیاری از تحلیلگران اقتصادی معتقدند در شرایطی که شرکت با بحران شدید سرمایه در گردش و نقدینگی روبه‌روست، تصفیه و فروش این دارایی‌های غیرضروری و املاک مازاد تحت مدیریت دولتی می‌تواند به سرعت منابع مالی لازم برای پرداخت بدهی قطعه‌سازان و تأمین قطعات خودروهای ناقص پارک‌رنگ را فراهم کند. با این حال سکوت نهادهای نظارتی و عدم تمایل بدنه مدیریتی برای واگذاری این املاک، روند حل بحران را کند کرده است.

آگهی مزایده مال منقول/جرتفیل(قرارداد بانکی) پرونده کلاسه بایگانی ۱۴۰۴۰۴۹۳

به موجب پرونده اجرائی با کلاسه بایگانی ۱۴۰۴۰۴۹۳ شش‌دانگ یک‌دستگاه جرتفیل کارگاهی مستعمل تادانو TADANO با مشخصات TR-۴۰۰۰ مدل ۱۹۸۵ مالکیت شرکت پترو کیمیا آروین با شماره ثبت: ۴۴۴۸۴ و شناسه ملی: ۱۴۰۳۴۸۵۹۹۲ واقع در نشانی: اهواز - شهرک صنعتی شماره ۳ خیابان پویا نبش سازندگی ۲(طبق اعلام بستانکار) بابت بدهی مدیون به بانک تجارت / مدیریت امور شعب استان خوزستان با شماره ثبت: ۳۸۰۲۷ و شناسه ملی: ۱۴۰۳۴۴۶۰ واقع در قبال پرونده فوق با موضوع قرارداد بانکی با شماره ۱۰۲۶۰۸۳۳۸-۱۴۰۳۰۱/۱۱/۳۰ که به موجب گزارش ارزیابی به شماره ۵۰/۳۵۰۶۰/۳۳۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ کارشناس رسمی دادگستری یک دستگاه جرتفیل کارگاهی مستعمل تادانو TADANO - زرد رنگ با ظرفیت ۴۰ تن با مشخصات TR-۴۰۰۰ مدل ۱۹۸۵ ساخت کشور ژاپن وارداتی از گمرک منطقه آزاد خرمشهر با شماره شاسی (TR۴۰۰۵۲۸۵ شماره موتور رویت نگرید) سوخت گازوئیل، دو محور، چهار چرخ لاستیکی، فاقد سابقه شماره گذاری، وضعیت ظاهری سالم و آماده بکار که با توجه به عدم وجود سوئچ امکان معاینه فنی مقدور نبود (شایان ذکر است که پلاکت مشخصات با پرچ دستی غیر فابریک روی درب کابین راننده سمت راست پرچ با مشخصات TR۵۰۰M مدل ۲۰۱۳ که با دستگاه فوق مطابقت نداشته و مورد تأیید نمی باشد) و بهای شش‌دانگ جرتفیل موصوف به مبلغ ۶۵۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شصت و پنج میلیارد ریال) ارزیابی گردید، مزایده از ساعت ۹ الی ۱۲ روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۰۷ (هفتم مرداد ماه یکپه‌زار و چهار صد و پنج) در اداره اجرای اسناد رسمی اهواز واقع در اهواز کوی نبوت انتهای بلوار دماوند جنب مجتمع قضائی شهید باهنر از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ فوق شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته خواهد شد و کلیه هزینه های قانونی پس از مزایده به عهده برنده مزایده است همچنین شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد مبلغ پایه مزایده به صندوق ثبت در روز مزایده می باشد و باقی مبلغ نیز ظرف مدت ۵ روز پس از مزایده می بایست پرداخت گردد. * ضمناً چنانچه روز مزایده مصادف با تعطیل رسمی گردد اولین روز اداری بعد از تعطیلی مزایده برگزار می گردد. تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ - شناسه: ۲۲۲۵۲۲۶ اداره اجرای اسناد رسمی اهواز

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگی

